چند امتیازنامهٔ عصر قاجار

به کوشش
میرهاشم محدّث

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تهران ۱۳۸۰

بــــــرگه فـــــــهرست نـــــــویسی

برگهٔ فهرست‌نویسی پیش از انتشار

تقدیم به پسرم

روزبه محدّث

به نام خداوند مهرگستر مهربان

از دیر باز، کتابخانه‌ها به عنوان پایگاه اطلاعاتی، علمی و فرهنگی، از مهمترین عوامل ترقّی مادّی و معنوی جوامع و شاخصهٔ توسعه‌یافتگی به شمار می‌آمده‌اند. در این میان گنجینه‌های نسخه‌های خطّی از اهمیتی دو چندان برخوردار بوده و ملتها به وجود چنین ذخائر معنوی مباهات می‌کرده‌اند.

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، با داشتن بیش از بیست و دو هزار جلد نسخهٔ خطّی یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های موجود دنیا است. این کتابخانه در طول حیات خویش، درکنار نگهداری و تهیهٔ نسخ خطّی، تلاشهایی نیز در زمینهٔ تصحیح و احیای آنها داشته است. امّا این‌بار مفتخریم به اطّلاع دانشمندان و پژوهندگان برسانیم که با تأسیس مرکز پژوهش و آموزش کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، سعی بر آن داریم تا احیا و نشر نسخ خطی را شتاب و غنای بیشتری بخشیم و با تصحیح انتقادی و نشر متون بر جای مانده از پیشینیان، بنیادهای رشد و تعالی فرهنگی جامعهٔ خویش را مستحکم، و نسل جوان را با فرهنگ و تمدّن والای ایران و اسلام، بیش از پیش آشنا سازیم.

اثر حاضر، **مجموعهٔ چند امتیازنامهٔ عصر قاجار** ـ یکی از دستنوشتهای ارزشمند کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی است که به کوشش اندیشور گرامی جناب آقای میرهاشم محدث تصحیح شده، و اینک به پیشگاه شما خوانندهٔ اندیشمند عرضه می‌شود.

سیّد محمّدعلی احمدی‌ابهری
رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

مقدّمهٔ مصحّح

رسالهٔ حاضر مجموعهٔ بیست و یک امتیازنامه است که در زمان قاجار به اجانب واگذار شده است. بیست امتیاز در زمان ناصرالدین شاه و یک امتیاز در زمان مظفرالدین شاه.

امتیازاتی که به خارجیان واگذار می‌شد به خاطر رقابتی بود که دولتهای خارجی ـ بخصوص روس و انگلیس ـ در قرن نوزدهم برای بسط نفوذ و تسلط خود بر کشور ایران و بلعیدن منابع وطن ما با یکدیگر داشتند و در غالب موارد به واسطهٔ بی‌لیاقتی و دست‌نشاندگی و خودفروشی هیئت حاکمهٔ ایران، زیانهای جبران‌ناپذیری به استقلال سیاسی و اقتصادی ما وارد ساخته‌اند.

سابقاً برای برقراری تسلط بر کشوری، استعمارگران به جنگ و ستیز می‌پرداختند و با لشکرکشی و زور سر نیزه، ملل ضعیف را اسیر و گرفتار می‌کردند، ولی در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، کشورهای استعماری روش تازه‌ای اتخاذ نمودند و برای استثمار ملل عقب مانده طریقه‌های نوینی پیش گرفتند. یکی از این شیوه‌های جدید از روی کار آوردن عده‌ای از دست نشاندگان خود و گرفتن یک سلسله امتیازات اقتصادی با دادن رشوه برای پیشرفت منظورهای سیاسی بود.

نشر هر امتیازنامه‌ای خدمتی به تاریخ ایران است و به همین خاطر بود که بلافاصله

پیشنهاد دوست عزیز و دانشمندم جناب آقای علی اوجبی ریاست محترم مرکز پژوهش و آموزش کتابخانهٔ مجلس را برای تصحیح این رساله پذیرفتم.

اولین امتیازنامهٔ این مجموعه، امتیازنامهٔ راه‌آهن حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام است که بین دولت ایران و مسیو فابیوس بواتال (بواطال) فرانسوی منعقد گردیده. تاریخ واگذاری این امتیاز، چهارم رمضان ۱۳۰۴ و مدت اجرای آن هیجده ماه بوده است.

دومین رساله، امتیازنامهٔ چاه آرتزین است که بین ناصرالدین شاه و دکتر طارنش ـ تبعهٔ آمریکا ـ منعقد گردیده. مدت این اعتبارنامه بیست و پنج سال است و طرف قرارداد ملزم شده که در ظرف یک سال پس از تاریخ مبادله، شرکت مختلط مرکبی از اهالی ایران و ینگی دنیای شمالی ترتیب دهد و تا یک سال پس از تشکیل کمپانی، قسمت کافی از اسباب و اشخاصی را که برای احداث چاهها ضروری است به تهران بیاورد. این امتیازنامه در نوزده فصل است و تاریخ امضای آن جمادی الاول ۱۳۰۵ قمری است.

سومین مورد، امتیازنامهٔ تراموای یا دایرداشتن راههای اسبی در شهر تهران است که در یازده شرط در تهران، در دو نسخه در ماه مه سال ۱۳۸۸ میلادی مطابق رمضان ۱۳۰۵ قمری بین قوام‌الدوله وزیر امور خارجهٔ ایران و مسیو بواتال (بواطال) فرانسوی منعقد شده است.

چهارمین مطلب، امتیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران است. این قرارداد یکی از ننگین‌ترین امتیازاتی است که در عصر قاجار اعطا شده است. این بانک یکی از مؤسسات انگلیسی بود که تقریباً مدت نیم قرن زنجیر اسارت اقتصادی به دست و پای ملت ایران افکنده بود. وقتی که بارون ژولیوس رویتر امتیاز تنباکو را در سال ۱۸۷۲ از ناصرالدین شاه گرفت با مخالفت ایرانیان روبرو شد و شاه نالایق ایران مجبور شد آن قرارداد را فسخ کند. رویتر برای جبران ضرری که کرده بود به آسانی دست از دعاوی خود برنداشت و هفده سال بعد که شرایط را مساعد دید تقاضای خود را تجدید و رسیدگی به این اختلاف و جبران خسارت را جدّاً درخواست نمود و برای این منظور جورج رویتر، فرزند خود را به تهران فرستاد. البته این دادخواهی با حمایت کامل

انگلیس بود. بالاخره بعد از مذاکرات مفصّل، در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۶ قمری مطابق ۳۰ ژانویهٔ سال ۱۸۸۹ میلادی با مداخلهٔ سر درومتد ولف ـ وزیر مختار زیرک انگلیس ـ امتیازی برای ایجاد بانک شاهنشاهی ایران به رویتر داده می‌شود، همان طور که در فصل چهاردهم این امتیازنامه اشاره‌ای مبهم به آن شده: «به ازای حقوقی که به موجب این امتیازنامچه به بارون ژولیوس رویتر واگذار شده‌اند بارون مذکور صریحاً اقرار بر ترک کامل بلا استثناء تمام حقوق و امتیازاتی می‌نماید که بر حسب امتیازنامچهٔ قدیم مورخهٔ ۲۵ ژوئیهٔ ۱۸۷۲ عیسوی که به توسط این شروط معدوم و ساقط الاعتبار گردید به مشارالیه عطا شده بودند». و «اشکالاتی که مدتها بین دولت‌بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بارون ژولیوس رویتر معلق بودند چون آخر الامر برطرف گردیدند و امتیازنامچه[ای که] به بارون ژولیوس رویتر مذکور در بیست و پنجم ژوئیهٔ ماه یکهزار و هشتصد و هفتاد و دو عیسوی عطا شده بود چون معدوم گردید به اتّفاق طرفین مراتب مفصلهٔ ذیل برقرار شدند».

پنجمین امتیازنامه، قرارداد ساختن قند و گلوکز قند در تمام دولت ایران است که در هفدهم شعبان ۱۳۰۶ بین امین‌السلطان و ادوارد دتی بلژیکی در ده فصل منعقد گردید.

ششمین امتیازنامه، امتیازنامهٔ شیشه‌آلات است که دوباره بین امین السلطان و ادوارد دتی در تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۰۶ در ده فصل برقرار گشت.

هفتمین امتیازنامه، معاملهٔ شمع گچی است که باز هم بین امین‌السلطان و ادوارد دتی در تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۰۶ در ده فصل منعقد گشت و در جمادی الاول ۱۳۰۸ ضمیمه‌ای به آن افزوده شد. مدت این قرارداد سی سال منظور شده است.

هشتمین امتیازنامه، امتیاز مشروبات الکلی در تمام خاک ایران است. امضا کنندگان این قرارداد نریمان خان قوام‌السلطنه، نظر آقا، امین‌السلطان و ساوالان خان بودند و تاریخ امضای آن ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۰۶ بوده است. مدت این امتیاز پنجاه سال بوده است.

نهمین مطلب، امتیازنامهٔ نصب چراغ برق و تلفن است که به یحیی خان مشیرالدوله واگذار شده است و او متعهد گشته که در عرض دو سال کوچه‌ها و معابر دارالخلافه را

سیم‌کشی کند و چراغ برق و تلفن را برقرار نماید. مدت این امتیازنامه شصت سال است. این امتیازنامه در هفده فصل و در تاریخ ربیع‌الاول سال ۱۳۰۷ منعقد و توسط یحیی‌خان مشیرالدوله و وزارت خارجه امضا گشته است.

دهمین امتیاز، امتیازنامهٔ راه عربستان [خوزستان فعلی] است که به یحیی‌خان مشیرالدوله واگذار شده است. مدت این امتیازنامه شصت سال و ضرب الاجل ساختن این راه سه سال است. یحیی‌خان مشیرالدوله این حق را در این قرارداد برای خود محفوظ نگاه داشته است که بتواند از سرمایهٔ سرمایه‌داران خارجی نیز استفاده کند. این امتیازنامه در دوازده فصل در ربیع الاول سال ۱۳۰۷ منعقد گردیده است.

یازدهمین قرارداد، امتیازنامهٔ دخانیات است که برای مدت پنجاه سال به تالبوت و شرکای او واگذار شده است. این امتیازنامه در پانزده فصل به تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۰۷ بین تالبوت و اولیای دولت ایران مبادله شده است.

دوازدهمین امتیازنامه، امتیاز «من دوپیته» یا حراجی عمومی است که به ژاک دپلیاکوف ـ جنرال قنسول فرانسه در ایران ـ واگذار شده است. مدت اعتبار این قرارداد از تاریخ امضای آن الی هفتاد و پنج سال است. تاریخ امضای آن شوال ۱۳۰۷ و در هیجده فصل تنظیم شده است.

سیزدهمین قرارداد، امتیازنامهٔ کالسکهٔ تهران است که به میرزا جوادخان سعدالدوله واگذار شده است. مدت این امتیازنامه پنجاه سال است و در شوال ۱۳۰۸ به امضای امین‌السلطان رسیده است. صاحب این امتیازنامه می‌بایستی در ظرف یک سال درشکه‌های تهران را راه‌اندازی کند. اما چون در موعد مقرر نتوانسته به وعده وفا کند لهذا ناصرالدین شاه قاجار در ضمیمه‌ای شش ماه دیگر به آن ضرب‌الاجل افزوده است.

چهاردهمین قسمت این مجموعه، امتیازنامهٔ چوب شمشاد است که در شش شرط بین محمّد ولی‌خان نصرالسلطنه ـ حاکم استرآباد و گرگان ـ و مسیو کوسس و تئوفیلد کتوس ـ اتباع روس ـ منعقد گردیده است. این امتیاز را ابتدا نصرالسلطنه از شاه گرفته و پس از یک سال به این دو نفر واگذاشته است؛ البته با گرفتن حق دلالی که عبارت است از

پرداخت «یازده هزار تومان به عنوان مالیات و گمرک و غیره که مختص جناب نصرالسلطنه» است. این قرارداد در تاریخ بیستم ربیع الاول ۱۳۰۸ در شش فصل تنظیم و به امضای امین‌السلطان رسیده است.

پانزدهمین قرارداد، امتیازنامهٔ بیمه و حمل و نقل است که در تاریخ جمادی‌الاول ۱۳۰۸ در دوازده فصل به لازار پولیاکوف ـ عضو شورای دولتی و رئیس ادارهٔ شرکت مروج تجارت و صناعت در ایران ـ واگذار شده است. مدت آن هفتاد و پنج سال است و در دوازده فصل تنظیم شده است.

شانزدهمین امتیاز، امتیازنامهٔ کاغذسازی است که به یحیی‌خان مشیرالدوله واگذار شده است. مدت این امتیاز پنجاه سال بوده و طرف قرارداد متعهد شده است که سه سال بعد از امضای قرارداد شروع به ساختن این کارخانجات بکند. تاریخ عقد این امتیازنامه جمادی الاول ۱۳۰۸ و در هفت فصل است.

هفدهمین امتیازنامه، امتیازنامهٔ گچ و آهک و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز [= سنگ شقر] است که به مسیو ادوارد دتی بلژیکی واگذار شده است و در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۰۸ به امضای ناصرالدین شاه رسیده است. این امتیازنامه در دوازده فصل است.

هیجدهمین مطلب، امتیازنامهٔ راه آهن دکویل است ـ دکویل یعنی ساختن ریلها قدری پهن‌تر از معمول ـ که به مهندس فابیوس بواتال (بواطال) فرانسوی واگذار شده است. صاحب امتیاز بایستی در عرض نه ماه کارهای مقدماتی را به انجام برساند و مدت اعتبار این امتیاز شصت سال است. این قرارداد در ده فصل در تاریخ جمادی الثانی سال ۱۳۰۸ امضا شده است و فرمانی از ناصرالدین شاه دربارهٔ اسب‌دوانی در انتهای آن آمده است.

نوزدهمین رساله، امتیازنامهٔ راه فی‌مابین تبریز و دارالخلافه است. اصولاً برای ترقی و توسعهٔ تجارت در یک کشور، ایجاد راه قدم اول می‌باشد. یکی از اقداماتی که در دورهٔ سلطنت ناصرالدین شاه مورد نظر روسها و انگلیسیها بود، ایجاد راههای شوسه و راه آهن و تسهیل و توسعهٔ حمل و نقل در شمال و جنوب ایران بود. پس از این که روسها

امتیاز ساختن جاده‌های شمال کشور و انگلیسیها اجازهٔ ایجاد راه شوسه در جنوب ایران را می‌گیرند دولت ایران به فکر آن می‌افتد که از اتباع داخلی، شرکتی برای ایجاد راههای شوسه در آذربایجان تشکیل دهد. به همین منظور امتیازی برای تشکیل کمپانی مذکور به امیر نظام داده می‌شود. مدت اعتبار این امتیازنامه شصت سال است و تاریخ امضای آن جمادی الثانی ۱۳۰۷ است. این امتیازنامه در ده فصل نوشته شده است.

بیستمین امتیازنامه، واگذاری حق ایجاد و ترتیب چراغ گاز است که به یحیی‌خان مشیرالدوله واگذار شده است. مدت این اعتبارنامه نود و نه سال می‌باشد و در ذیقعدهٔ ۱۳۰۸ امضا شده است. این امتیازنامه در هشت فصل است.

بیست و یکمین قرارداد، اجازه‌نامهٔ ایجاد ادارهٔ حمل و نقل عامه در ایران توسط کالسکه‌های خودرو می‌باشد که در شعبان ۱۳۱۶ امضا و به حکیم‌الملک ـ وزیر ابنیه و مسکوکات ـ و مهندس الممالک ـ وزیر معادن و صنایع ـ و ماکزیمیلین کتیرا ـ مهندس فرانسوی برق ـ واگذار شده است.

* * *

نام این رساله در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس، ج ۲۱، ص ۲۱۴ مجموعهٔ امتیازنامه‌ها آمده، امّا چون این بیست و یک امتیاز، عشر عشیر و گوشه‌ای از حراج و فروش سرمایه‌های ملی ایرانیان است عنوان فعلی را گویاتر دانستم.

نسخهٔ خطی اساس طبع عبارت است از نسخهٔ شمارهٔ ۶۲ فیروز کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی که دارای ۱۶۱ صفحه می‌باشد.

از مسئولین محترم مرکز پژوهش و آموزش کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی که در راه چاپ این کتاب همه گونه محبت مبذول فرمودند سپاسگزارم.

میر هاشم محدّث

تهران مهرماه ۱۳۸۰

تصویر صفحهٔ آغازین

تصویر صفحهٔ پایانی



امتیازنامهٔ راه آهن
حضرت عبدالعظیم صلوات اللّه علیه [1]

دولت علیه به مسیو فابیوس بواطال مهندس فرانسوی یا شرکا یا وراث یا محقّین او امتیاز خط راه‌آهن مابین طهران و شاهزاده عبدالعظیم را می‌دهد. تمام مخارج برای ساختمان و بیع زمین و اسباب لازمهٔ متعلق به راه به عهدهٔ مسیو بواطال یا شرکای او می‌باشد و دولت علیهٔ ایران فقط حقِ مخصوصِ مطلقِ ملکی را در دایر داشتنِ خطِ مزبور به مشارإلیهم می‌دهد.

و نیز دولت علیهٔ ایران حق گمرکخانه در ورود اشیای لازمهٔ راه‌آهن را که به مباشرین گمرکخانه بعد از ملاحظه معاف خواهند داشت به جهت ساختمان و دایر داشتن راه مزبور معاف می‌دارد. و مأذون می‌فرمایند که چوب آلات لازمه را ـ یعنی آن قدر که برای خط طهران تا شاهزاده عبدالعظیم ضرور است ـ از جنگل دولتی مجاناً دریافت دارند و هیچ وجهی را [بابت] مالیات و حقوق دیگر از راه‌آهن مزبور مطالبه نخواهند کرد.

[۲] هرگاه در مبلغ زمین یا در عمل ساختمان یا در عملِ دایر داشتن به جهت صاحبانِ امتیاز، مشکلاتی رخ دهد دولت علیّه متعهد است که رفع آن را به طور حقیقت و شرع

۱. برای اطّلاع بیشتر ر.ک: تاریخ مؤسّسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، ص ۳۲۴.

نموده، حمایت و دادرسی را نسبت به صاحبان امتیاز مرعی دارد.

هر اوقاتی را که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی در رویِ راهِ مزبور، ارادهٔ حرکتی نمایند کالسکهٔ مخصوص از برای شخصِ همایون ایشان موجود خواهد بود.

این امتیازنامه به مسیو بواطال داده می‌شود به این شرط که خط مزبور را در غرّهٔ ماه ژانویهٔ سنهٔ ۱۸۸۸ به اتمام رسانیده، دایر بدارد و اگر به این وعده وفا نکند امتیاز مزبور کأن لم یکن لغو و باطل خواهد شد.

دارندهٔ امتیاز تعهّد خواهد کرد که خیابان مشجر ما بین طهران و شاهزاده عبدالعظیم را به هیچ وجه متعرض نشود.

این اعتبارنامه به دو نسخه نوشته شده و نسخه‌ای که در دست صاحبان امتیاز است باید به صحّ اعلیحضرت اقدس شاهنشاه دولت علیهٔ ایران برسد.

[۳] متعلقات راه‌آهن

مقصود از این نگارش آن است که این خدمتگزاران سوسیته آنونیم[1] راه طهران الی حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام اقرار و اعتراف نمودیم که هرگاه راه‌آهن مزبور را در طی مدتی که در امتیازنامه مقرر شده یعنی از روز امضای امتیازنامه الی هیجده ماه تمام به اتمام نرسانیده دایر نساختیم.

اولاً: اراضی[ای] را که از جانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحی و روح العالمین فداه ـ و غیره مجاناً در این خصوص به این خدمتگزاران سوسیته انانیم مزبور تفویض شده بدون هیچ‌گونه عذر واگذار و مسترد سازیم.

ثانیاً: اراضی‌ای را که از اشخاص متفرقه به معرض بیع درآورده‌ایم به هر قیمتی و مبلغی که ابتیاع شده وجه آن را دریافت داشته اراضی را رد نماییم.

تحریراً فی یوم شنبه ۴ رمضان المبارک تنگوزئیل ۱۳۰۴

محل امضای مسیو بواطال

1. Socie'te' Anonyme = شرکت، جامعهٔ همگن و یکسان.

[۴] متعلقات راه‌آهن

حضرت مستطاب اجل اشرف آقای وزیر دام اقباله العالی! معروض می‌دارد که اشیاء لازمهٔ مقدمات راه‌آهن بالتمام فراهم و موجود [شده] هر ساعتی زمینهای لازمهٔ خط راه طهران الی حضرت عبدالعظیم تحویل کمپانی شود شروع در عمل خواهد شد.

از قرار نقشه‌ای که اینک ایفاد حضورداشت منزل راه‌آهن (گـار) در طـهران، کـوچهٔ دروازهٔ قدیم حضرت عبدالعظیم در محلی که الحال سرای مخروبهٔ دولتی است خواهد شد. از محل مزبور که حرکت کرد خط راه‌آهن از زمینهای غیرمسکونی می‌باشد که الی خندق امتداد دارد و به توسط شکافی از خاکریز خندق عبور می‌نماید که شـبها را بـه دروازهٔ مستحکمی مسدود و پل مضبوطی نـیز در آن احـداث خـواهـد شـد، واز آنـجا مستقیماً به سمت خیابان نجف‌آباد کشیده شده و از خـیابان مـزبور گـذشته بـه سـمت دولت‌آباد امتداد می‌یابد که طول آن الی آنجا تقریباً شش‌هزار و پانصد ذرع است.

[۵] از محل مزبور عبور خط راه از حسین‌آباد تقریباً پانصد و پنجاه ذرع می‌باشد و بعد متصل به اراضی نواب علیهٔ عالیه شاهزاده عزت الدوله[۱] ـ دامت شوکتها ـ می‌گردد که تقریباً طول امتداد آن نهصد ذرع می‌باشد. از آنجا الی منزل حضرت عبدالعظیم که در قرب یخچالهای حضرت مستطاب اجل اشرف عالی [است] امتداد می‌یابد. منزل گـار تقریباً شش هزار ذرع مضروبی است.

خط مزبور لازم به تعریف نیست ولی لازم است معروض دارم زمینهائی که در جنب این خط واقع است [در] آینده قیمت گزافی حاصل خواهد کرد و این زمینها غالباً متعلق به سرکار اعلیحضرت اقدس همایونی ـ ارواحنا فداه ـ می‌باشد. از حضرت مستطاب اجل اشرف مستدعی چنان است که ازخاکپای همایونی ـارواحنا فداه ـ استیذان نمائید که:

اولاً: مرخص فرمایند خاکریز خندق را شکافته پل و دروازهٔ مستحکمی مـخصوص راه‌آهن احداث سازد که شبها را بتوان مسدود ساخت.

---

۱. عزت‌الدوله خواهر تنی ناصرالدین شاه که چندین شوهر اجباری کرد و یکی از آنها میرزا تقی خان امیرکبیر بود.

ثانیاً: اراضی که متعلق به سرکار اعلیحضرت اقدس همایونی ـ روحنا فداه [۶] ـ می‌باشد از خندق الی دولت‌آباد تا نقطه‌ای که در روی نقشه تعیین یافته است به موجب فرمانِ مهر لمعانِ همایونی از برای طول مدت امتیازنامه به تصرف کمپانی داده شود.

ثالثاً: در خصوص حمل سنگ و ریگ لازمه اذن حاصل شود که یک رشتهٔ مختصری از عرض راه به سمت کوه، آن جائی که معدن سنگ است امتداد یابد.

رابعاً: مرخصی حاصل شود که سه یا چهار نفر شاگرد مهندس ایرانی از مدرسهٔ دارالفنون به جهت این عمل گرفته شود.

خامساً: دو دسته سرباز که هر دسته سه نفر باشند برای مستحفظی و قراولی راه‌آهن مرحمت گردد.

در خصوص اراضی که متعلق به بعضی از اشخاص می‌باشند نیز مستدعی است مرحمت فرمایند که به قیمت حالیه به معرض بیع درآید و کمپانی نیز حاضر است که الساعه به پول نقد ابتیاع نماید و در هر آنی که تمام اراضی مزبوره یا قسمتی از آن به تصرف کمپانی داده شد شروع در عمل ساختمان نماید.

مجدداً معروض می‌دارد که جمیع اسباب و مصالحی که به جهت ساختمان و دایر داشتن راه‌آهن است از حقوق گمرک و راهداری معاف باشد [۷] هرگاه کسانی که اشیاء و مصالح راه می‌آورند غیر از ادوات متعلقهٔ راه‌آهن به اشتباه چیزی بخواهند رد نموده بگذرانند بر اجزای راهداران است که مراتب را به کمپانی اظهار نموده به درجهٔ ثبوت برساند تا خود کمپانی مزبور به طور تشدد در مقام مؤاخذه آید.

محل امضای مسیو بواطال



[۱۰]امتیازنامهٔ چاه آرتیزین

سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ممالک محروسهٔ ایران برای ازدیاد آبادی و انتفاع اهالی و تسهیل عمل زراعت و فلاحت درممالك شاهانه، امتیاز و اختیار مشروحهٔ ذیل را به موجب فرمان همایون به دکتر طارنش و شرکای مشارالیه واگذار می‌فرمایند که در تحت شرایط و فصول آتیه یک کمپانی ایرانی و آمریکایی تشکیل نموده به وسیلهٔ ایجاد چاههای آرتیزین به اراضی و اماکن...[۱] آب جاری یا معادن غیرمنکشفه استکشاف کنند.

فصل اول:

دارندهٔ امتیاز متعهد است که در ظرف یک سال پس از تاریخ مبادلهٔ این قرارنامه، شرکت مختلط مرکبی از اهالی ایران و ینگی دنیای شمالی ترتیب داده و تا یک سال بعد از تشکیل کمپانی، قسمت کافی از اسباب و اشخاص که برای احداث چاهها ضرور است به دارالخلافهٔ طهران بیاورد.

۱. در نسخهٔ اساس یک کلمه ناخواناست.

فصل دویم:

این چاههای آرتیزین تلمبه را که در ینگی دنیا معمول است حفر و ایجاد می‌شود و لوازم ایجاد آنها به مناسبات موقع و محل با اسبابی خواهد [بود] که به حصول مقصود کافی باشد.

[۱۱] **فصل سیم:**

این امتیاز تا مدت بیست و پنج سال شمسی تمام مخصوص دکتر طارنش و شرکای او خواهد بود. به این معنی که احدی از اهالی خارجه و داخله حق نخواهد داشت که در ممالک محروسهٔ ایران چاههای آرتیزین حفر نماید مگر به توسط این کمپانی یا به اجازهٔ ایشان، و مدت این امتیاز از اول شروع به این امر است تا انقضای زمان مقرر.

فصل چهارم:

در صورتی که مطابق فصل اول به مهلتی که مقرر شده است تشکیل کمپانی و شروع به اعمال مقرره تأخیر شود این امتیازنامه لغو و کان لم یکن معدوم خواهد شد.

فصل پنجم:

دارندهٔ اعتبار، مأذون است در زمینهای بایر غیرمزروع که امروز قابل هیچ انتفاع و در ملکیت و تصرف احدی نیست به وسیلهٔ احداث چاههای آرتیزین، آب جاری کرده باغ برپا نماید و در تسهیل و مزید انتفاع مزروعات آن نوع آلات و اسباب و تخم حبوبات و بقولات و اشجاری که در آمریکا معمول و متداول است به کار دارد.

فصل ششم:

[در] اراضی و املاك مذکوره در فصل پنجم هر چه حاصل شود [۱۲] عشر منفعت خالص آن به دولت علیهٔ ایران تسلیم خواهد شد. علاوه بر این مبلغ، کارگزاران دیوانی حق هیچگونه مطالبه و تحمیل به آبادانیها و مزروع مذکوره ندارند.

فصل هفتم:

اگر چاههای آرتیزین به چشمه و منبع نفط برخورد، کمپانی متعهد می‌شود که ثمن مبالغ خالص آن را به دولت علیهٔ ایران بپردازد. و اگر معادن دیگر در ضمن حفر چاههای مزبور استکشاف شود از نفع خالص آنها عشر به دیوان اعلی می‌رسد مگر معادن قیمتی مثل طلا و نقره و جواهرات که به مجرد انکشاف به کارگزاران دولت ایران واگذار می‌شود.

فصل هشتم:

در اراضی و املاکی که متعلق به اشخاص و اهالی مملکت است چاههائی به میل صاحبان زمین حفر می‌شود و مزید انتفاع برای مالک آن حاصل خواهد شد. کارگزاران دولت علیهٔ ایران مستقیماً با صاحب ملک، قرار منال آن را می‌دهند.

فصل نهم:

در این امر که مایهٔ آبادی کلی و ترقی محصولات و ارتفاعات ممالک محروسهٔ ایران است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و اولیای دولت علیهٔ ایران متعهد خواهند شد که توجه و مساعدت معنوی خود را دریغ نفرموده نگذارند[۱۳] دارندهٔ امتیاز و شرکای او به بهانه‌جوئی و تعرضات غیر حقه موجد مشکلات شوند.

فصل دهم:

چرخها و لوله‌ها و آلات و ادوات که متعلق به عمل زراعت و حفر و احداث چاهها است از گمرگ و هر نوع مرسومات دیوانی معاف خواهد بود.

فصل یازدهم:

برای اجرای این مقصود، دارندهٔ امتیاز و شرکای او مجبورند که از مهندسین مخصوص این فن اجیر نمایند و محض این که معرفت به اسباب و آلات و طرز استعمال آنها و مواضع حفر و جریان آن را به اهالی مملکت آموخته این صنعت به طور دائمی در ایران باقی بماند از شاگردان هندسهٔ مدرسهٔ دولتی اجیر خواهند کرد که به اعمال لازمهٔ چاهها و معادن آزموده شوند.

فصل دوازدهم:

هرگاه در میان این کمپانی و کارگزاران دولت ایران گفتگو و اشکالات ظهور کند از جانب طرفین متساوی اشخاص امین و بی‌غرض معین و انتخاب خواهد شد که در دارالخلافهٔ طهران مجلس تشکیل داده مشکلات واقعه را حل و فصل نمایند.

فصل سیزدهم:

کمپانی مأذون خواهد بود که اگر یک یا چندین موضع به واسطهٔ چاههای آرتیزین آب کافی پیدا کند و بخواهد چرخها و اسبابی را که [۱۴] به طرز ینگی دنیا برای حلاجی و پاک کردن پنبه لازم است ترتیبی داده به قوت آب، دستگاه مزبور را راه بیندازند دولت علیهٔ ایران موافق سایر فصول [این] امر را نیز محل رعایت و تقویت خود قرار خواهد داد که وسیلهٔ نافعه در ترقی یکی از محصولات مملکتی است.

فصل چهاردهم:

پس از انقضای مدت قرارنامه آنچه اسباب متحرکه و منقوله از قبیل چرخها و آلات و ادوات است به اختیار کمپانی است که به هر کس که میل دارد بفروشد یا برای خود نگاه دارد اما املاک و اراضی که آباد کرده و باغ و اشجاری که به عمل آمده است به قیمت عادلهٔ وقت به رعایای ایران خواهد فروخت و به این وسیله حقوق خود را در املاک مزبوره ساقط خواهد نموده.

فصل پانزدهم:

چنانکه در نزدیک شهر طهران یا شهرهای [دیگر]، دارندهٔ امتیاز و شرکای او توانستند به مقدار کافی از چاههای آرتیزین تحصیل آب کنند به میل و رضای مردم بخواهند لوله‌ها کشیده به طوری که در فرنگستان معمول است به خانه‌ها آب برسانند از طرف دولت علیه مجاز و مأذون خواهند بود.

[۱۵] **فصل شانزدهم:**

قبل از ختم این امتیاز، صاحبان امتیاز یا شرکای آنها چنانچه بخواهند تماماً یا مقدار

سهم منافع خود را به دیگری واگذار نمایند فقط باید از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران یا به یکی از تبعهٔ اتازونی آمریک بدهند.

فصل هفدهم:

در صورتی که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی در باغات [و] عمارات خود ـ [در] شهر یا خارج از شهر ـ بخواهند چاههای فواره‌دار قرار بدهند صاحبان امتیاز یا شرکای آنها در نصفه قیمت چاهها را بکنند و یا آنکه آبی که برای این باغات لازم شد به نصفه قیمتی بدهند.

فصل هیجدهم:

در صورتی که یکی از چاههای فوار نزدیک مشجری یا یک بقعهٔ متبرکه واقع شود صاحبان امتیاز یا شرکای آنها مجبورند [که] به آن مشجر و یا آن بقعه آن را نصفه قیمت بدهند.

فصل نوزدهم:

این امتیازنامه در میان وزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران و دارندهٔ امتیاز در دو نسخه مبادله شد. عبارت و فصول آن به فارسی و فرانسه ثبت و یا سند طرفین خواهد بود.

تحریراً فی شهر جمادی الاولی تنگوزئیل ۱۳۰۵



[۱۸] امتیازنامهٔ ترامواه[1]

در خصوص ساختمان و دایر داشتن راههای اسبی در شهر طهران، دولت علیهٔ ایران از قرار شروط ذیل به مسیو فابیوس بواطال رعیت فرانسه امتیاز می‌دهد.

شرط اول: صاحب امتیاز به مخارج خود خطوط ذیل را احداث و دایر خواهد داشت: اوّلاً خطی از ابتدای خیابان لاله‌زار که از خیابان ناصریه امتداد یابد الی سبزه‌میدان، خط دیگر از میدان توپخانهٔ مبارکه شروع می‌شود و از خیابان چراغ‌گاز و از خیابان دروازهٔ حضرت عبدالعظیم ـ علیه التکریم ـ و از خیابان قبرستان الی دروازه قزوین کشیده شود و

۱. از امتیازات دیگر این کمپانی، تراموای طهران بود که امتیاز آن را بواطال در سال ۱۳۰۶ هجری قمری (۱۸۸۹ میلادی) گرفته بود و مجموعاً به پنج میل می‌رسید. این خطّ چنان که دکتر فوریه آن را وصف کرده است از میدان توپخانه به سمت مشرق می‌رفته و از خیابان چراغ‌گاز و مقابل بازار پامنار نزدیک سفارت روس می‌گذشته است. واگونها را طوری ساخته بودند که یک قسمت وسط آنها محفوظ و پوشیده بود تا زنها در آنجا بنشینند و با مردها مخلوط نشوند. این خط در ۲۶ ربیع‌الاوّل ۱۳۰۷ = ۲۰ نوامبر ۱۸۸۹ افتتاح شد. زمانی که لرد کرزن در طهران بود این خط دوازده واگن داشت و می‌خواستند سی و شش عدد دیگر هم فراهم نمایند. کرزن می‌گوید راه بسیار بدی ساخته‌اند به جهت این که تمام ریل را از زمین برجسته ساخته‌اند. در آن موقع می‌خواسته‌اند که در خیابانهای شمالی طهران تراموای بکشند. دکتر فوریه کشیدن تراموای را مفید می‌دانسته و... و برای باقی قضایا رجوع شود به: تاریخ مؤسّسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، ص ۳۲۸.

از آنجا نیز تا خیابان مریضخانه الی میدان توپخانهٔ مبارکه که محل راه‌آهن اسبی است امتداد خواهد یافت. از آنجا سوا شده به طرف شمیرانات می‌رود. منوط به اختیار کمپانی است.

شرط دویم: صاحب امتیاز، حق ساختمان و دایر داشتن خط دیگری را نیز در شهر طهران دارد به این شرط که قبل از اقدام نقشهٔ آن را به دولت علیهٔ ایران تسلیم نماید.

[۱۹] **شرط سیم:** تمام مخارج بیع زمین برای ساختمان انبار و طویله و ساختمان لازمه و غیره در هنگام ساختمان یا دایر داشتن راههای آهن اسبی مزبور به عهدهٔ صاحب امتیاز است ولی زمین کوچه‌ها و خیابانها در خصوص راه مزبور مجانی است.

شرط چهارم: خطوط راه‌آهن اسبی یک رشته است در محل لازم که وسعت داشته باشد دو رشته خواهد شد.

شرط پنجم: هر قدر امکان دارد خط راههای آهن اسبی مزبور از کنار خیابانها ساخته و احداث خواهد شد که حتی‌الامکان اسباب ممانعت از جهت عابرین و مترددین حاصل نشود.

شرط ششم: دولت علیهٔ ایران ادعا و مطالبهٔ گمرک و راهداری را در ورود ادوات لازم به جهت ساختن و دایر داشتن راههای مزبوره ننموده معاف خواهند فرمود. ولی اجزاء ادارهٔ گمرک حق رسیدگی اسباب و ادوات را از هر جهت دارند.

[۲۰] **شرط هفتم:** دولت علیهٔ ایران حق مطالبهٔ مالیات و غیره بابت ادوات و اشیاء لازمهٔ ساختن و دایر داشتن راههای مزبوره به هیچوجه ندارند.

شرط هشتم: دولت علیهٔ ایران به صاحب امتیاز اطمینان می‌دهد که ساختن و دایر داشتن راههای آهن اسبی در شهر طهران فقط حق او باشد و تعهد می‌نماید که حمایت لازمه را دربارهٔ او مرعی داشته رفع جمیع مشکلاتی را که در زمان ساختن و دایر داشتن رخ دهد نماید.

شرط نهم: صاحب امتیاز شروع ساختمان و اقدام به آن را هر قدر ممکن است باید به زودی بنماید به نحوی که خط الی منزل راه‌آهن گار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام امتداد

می‌یابد از روز امضای این قرارنامه الی دو سال به انجام برسانند.

شرط دهم: این امتیازنامه از روز امضا الی نود و نه سال... منعقد شده است.

شرط یازدهم: از الآن را مسیو بواطال مأذون است که [۲۱] این امتیازنامه را به کمپانی آنونیم راه‌آهن بخار و اسبی در ایران که کمپانی می‌باشد و یا کمپانی[ای] که معرفی او را به دولت علیه بدهد با جمیع شرایط منتقل سازد.

در طهران به دو نسخه در ماه مه هزار و ششصد و هشتاد و هشت مسیحی مطابق پانزدهم شهر رمضان المبارک ۱۳۰۵ هجری نوشته شد.

وزیر امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران

سواد خط قوام‌الدوله وزیر امور خارجه

بواطال این قرارنامه را به کمپانی بلجیک که راه‌آهن از طهران الی شاهزاده عبدالعظیم را کشیده است در شهر ذیقعده با شرایط مندرجه در این قرارنامه منتقل نموده. اقل چاکران امضا کرده است.



[۲۴] امتیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران[1]

مقدمه:

اشکالاتی که مدتها بین دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بارون ژولیوس رویتر معلق بودند چون آخرالامر بر طرف گردیدند و امتیازنامچه[ای که] به بارون ژولیوس رویتر مذکور در بیست و پنجم ژوئیهٔ ماه یکهزار و هشتصد و هفتاد و دو عیسوی عطا شده بود چون معدوم گردید به اتفاق طرفین مراتب مفصلهٔ ذیل برقرار شدند:

فصل اول:

امتیازنامچه: به موجب این امتیازنامچه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری به بارون ژولیوس رویتر و به شرکاء یا عاملین او حق احداث یک بانک دولتی موسوم به «بانک شاهنشاهی ایران» می‌دهد.

[۲۵] مدت: حق مزبور برای مدت شصت سال ابتداء از تاریخ امضای این امتیازنامچه

---

۱. آخرین تحقیقات را دربارهٔ بانک شاهنشاهی ایران، استاد فقید دکتر حسن محبوبی اردکانی در تاریخ مؤسّسات تمدنی جدید در ایران (ج ۲، ص ۷۷ به بعد) فرموده‌اند.

به توسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عطا می‌شود.

مرکز بانک: مرکز و مقر بانک در طهران خواهد بود. بانک مزبور خواهد توانست در شهرهای دیگر ایران و در خارجه شعبات برقرار سازد.

اقدامات مختلفه: محض بسط تجارت و ازدیاد ثروت ایران، بانک شاهنشاهی گذشته از اعمالی که متعلق به صرافی می‌باشد با خرج خود یا بـه خـرج ثـالث اقـدام در تـمام کارهای محاسبه[ای] و صنعتی و تجارتی که برای این مقصود نافع بداند خواهـد کـرد مشروط بر اینکه هیچیک از آن اقدامات، مخالف عهدنامه‌ها و قوانین دولت و مـلت و مذهب ایران نباشد و قبل از شروع، اطلاع به دولت ایران داده شود.

تقیدات: بانک حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیهٔ ایران کرد(؟) بی‌شرطی قبول کند و غیر منقول از قـبیل امـلاک و اراضـی و دهـات و غـیرها خـریداری نـماید مگـر اراضی[ای] که برای یک بنای کافی در طـهران و شـعباتش در [۲۶] سـایر ایـالات لازم می‌باشند. و نیز غدغن اکید است که بانک مزبور، بروات دولت [را] که حواله باز نشده‌اند تنزیل کند یا به اعتبار آنها وجهی به کسی قرض بدهد.

فصل دویم:

سرمایه: سرمایهٔ بانک دویست کرورفرانک یعنی هشت کرور لیرهٔ انگلیسی خواهـد بود لهذا تعدادی سهام احداث خواهند شد که بانک آنها را به دفعات نشر خواهد داد. هر وقت که تقبل قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کرورفرانک یا دو کرور لیرهٔ انگلیسی امضا شد بانک مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهد گردید. مـحل امـضای تـقبل سـرمایه در پاتختهای مختلفه خصوصاً در طهران، برلن، پاریس، پطرزبورغ، وینه در صورت اجازهٔ دول متبوعهٔ آن ممالک وضع خواهد شد. سهام به اسم حامل خواهند بود و بانک، سهام اسم‌دار هم می‌تواند نشر بدهد [۲۷] بانک مزبور هر وقت مفید بداند سـرمایه و عـدد سرمایهٔ خود را به اتفاق دولت زیاد می‌کند.

فصل سیم:

نشر بلیتهای بانک: بانک شاهنشاهی چون بانکی است حق مانع لغیر، نشر بلیتهای بانک پی اسمی خواهد داشت که به محض رؤیت قابل الاداء خواهد بود و هرگز متجاوز از چهل کرورفرانک که هشتصد هزار لیرهٔ انگلیسی باشد بلیت بانک نشر نخواهد داد مگر این که به دولت اطلاع بدهد.

برای مساعدت و بسط اعتبار عامه و محض تجدید جریان مسکوکات نقره و ازدیاد نشر مسکوکات طلا بانک دولتی من حیث القاعدة قبول وضع یک عیاری می‌کند مبنی بر تومان طلا.

در مدت ده سال اول تشکیل بانک، دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری و مدیرهای بانک بین خود قرار و مدارهای لازمه را برای وصول به این مقصود خواهند داد. مع هذا نظر به اقتضای وضع حالیهٔ مسکوکات، نشر بلیتهای بانک شاهنشاهی بدواً بر پایهٔ نقره خواهند بود [۲۸]. این بلیتها را تمام عمال و مأمورین دولت علیه قبول خواهند کرد [و] در تمام معاملات ایران رواج خواهند داشت ولی هر آنی که بانک نتواند قیمت یکی از بلیتهای خود را ادا نماید نشر بلیتهای بانک در تمام مملکت ایران منع خواهد گردید و بانک مجبور خواهد بود که قیمت تمام بلیتهای خود را ادا کند.

ضمانت اداء: محض اطمینان اداء بلیتها، بانک مزبور صریحاً متقبل می‌شود که در دو سال اول ابتدا از شروع به کار؛ اقلاً نصف بلیتهای منتشر شدهٔ خود را و پس از انقضای این دو سال اقلاً ثلث قیمت آنها را نقداً موجود داشته باشد. تفاوت بین وجه نقد موجودی و سر جمع بلیتهای بانک منتشر شده به توسط امنا و منقولات متعلقه به بانک که آنها را در ایران موجود خواهد داشت ضمانت کرده می‌شود.

بانک شاهنشاهی مجبور است که قیمت بلیتهای خود را به محض رؤیت در هر کجا نشر شده‌اند اداء کند. مع هذا بلیتهای شعباتش خواهند توانست در طهران ادا شوند.

بلیتهای بانک به زبان ایرانی خواهند بود و بانک نخواهد توانست بدون اذن [۲۹] دولت علیهٔ ایران بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد.

بلیتهای بانک علامت یا مهری خواهند داشت که مبین ثبت دفتری ایران باشد و محض خواهند بود به امضای یک مدیر یا مدّبر و به امضای تحویلدارِ عمدۀ تأسیس که در آنجا نشر شده‌اند.

دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری متقبل می‌شود که در طول مدت این امتیازنامچه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد و [به] احداث هیچ بانک یا تأسیس که صاحب این گونه امتیاز باشد اجازه ندهد.

فصل چهارم:

دولت علیۀ ایران سرمایۀ بانک را ضمانت نمی‌کند و خواهد توانست به میل خود خریدار اسهام شود و یا در خرید اسهام، مساعد تبعۀ خود گردد تا به حد خمس سرمایۀ منظوره و یا به هیچوجه مداخلت نکند.

ادارۀ بانک: تقسیم سرمایه به اسهام و عدد و قیمت بلیتهای بانک مطابقاً به مدلولات فصل سیم این امتیازنامچه و نظم و نظارت بانک و تعیین مدت و اجزاء، چه در ایران و چه در خارجه [۳۰] و اداره کردن وجوهات بانک با منافعی که حاصل کند به اختیاراتی که ممکن است عایدش گردند به کلی برعهدۀ دارای این امتیاز و شرکاء و عمال آن خواهد بود و هر نفع و ضرری به او مدخلیت دارد.

مأمور محترم مخصوص: دولت علیۀ ایران مراقبت تامۀ خود را در بانک به توسط یک مأمور محترمی که خود معین کند جاری خواهد ساخت و این مأمور حق خواهد داشت از نظارت بانک اطلاع حاصل کند و مواظب باشد که امورات بانک بر وفق این امتیازنامچه بگذرند.

مأمور مزبور هر وقت دعوت بشود بر حسب تکلیف در مجالس عمومی اسهام‌داران، همچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور به هم رساند، و نشر بلیتهای بانک را وارسی خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت که مدلولات فصل سیم این امتیازنامچه رعایت شوند و مراقبت روابط بانک با خزانۀ دولت علیه برعهدۀ او است و

نخواهد توانست در تدبیر و نظارت اعمال بانک، خود را داخل سازد و مأموریت او به هیچوجه اسباب مسئولیت دولت علیهٔ ایران نخواهد گردید.

[۳۱] **فصل پنجم**:

حمایت دولت: چون غرض این بانک که تأسیسی است ملتی، خیر عامه و خیر دولت [منظور] می‌باشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت عسکریهٔ خود را که برای حفظ امنیت مقر اصلی و شعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت.

دولت علیهٔ ایران ابتیاع اراضی و امکنه[ای] را که برای بنای مقر اصلی بانک و شعباتش لازمند حتی‌الامکان سهل و به وجه عادلانه و حامیاً لبانک (!) خود را بین بانک و صاحبان اراضی، ثالث خواهد ساخت.

معاف بودن از مالیات: خود بانک و بناهای او و شعباتش بکلی از هر نوع واردات و مالیات معاف می‌باشند و همچنین، اسهام و بلیتها و قبوضات و بیجکها و جمیع اسنادی که در باب امورات و داد و ستدهای او از طرف خودش صادر می‌شوند، معافند. ولی هرگاه دولت در ملک خود مالیات تمبر را قرار بدهد، [۳۲] بانک هیچ برات و سندی را نخواهد گرفت که تمبر دولتی علیه[را] نداشته باشد.

فصل ششم:

ادارهٔ وجهیه: بانک شاهنشاهی در سهولت تأدیه‌جات خزانه عامره چه در ایران و چه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد. برای هر خدمتی که دولت علیه به او رجوع کند گماشتگان و رؤسای بانک، حقی که باید به بانک داده شود، بین خود معین خواهند نمود.

قرض دو کرورفرانک: پس از تشکیل و تهیهٔ سرمایه خود بانک شاهنشاهی تعهد می‌کند که مبلغ دو کرورفرانک یعنی چهل هزار لیرهٔ انگلیسی برای مدت ده سال، سالی صد شش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد و اصل آن تنخواه و منافعش به موجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری لغایت صد شش منافع

خلصی که بر حسب فصل هفتم این امتیازنامچه به پیشگاه سلطنت تعهدش است محسوب خواهد کرد.

[۳۳] **پیشکی:** علاوه بر آن، بانک شاهنشاهی، پیوسته پس از تشکیلش حاضر خواهد بود از برای تمام وجوه پیشکی و استقراضهاتی که دولتِ علیه لازم داشته باشد و از او طلب نماید و در هر وجه رهایی آن استقراض بین دولت و بانک داده خواهد شد، و یا آنکه آن وجوه پیشکی یا استقراضات به معادل خودشان یک ضمانتی خواهد بود از برای سر جمع بلیتهای نشر شده. این وجوه پیشکی و استقراضات را دولت علیه در رأس موعدهای مقرر ادا خواهد نمود. سر جمع تنزیلات منتظماً در آخر هر سال مالیاتی ایران یعنی در آخر حوت داده خواهد شد.

ده کرور فرانک: اولین این وجوه پیشکی که غیر از دو کرور فرانک فوق الذکر می‌باشد، تدریجی و تا ده کرور فرانک، یعنی دویست هزار لیرهٔ انگلیسی، در سالی با صد هشت تنزیل خواهد بود.

فصل هفتم:

حصّه منافع:

در آخر هر سال مالیاتی یعنی آخر حوت، بانک [۳۴] شاهنشاهی باید صد شش منافع خلص آن سال خود را به دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری بدهد و یا به جمعش بیاورد. در صورتی که حصهٔ منافع صد شش مذکوره در یک سال کمتر از صد هزار فرانک یعنی چهار هزار لیرهٔ انگلیسی بشود، بانک مجبور است که این مبلغ را کامل نماید، یا اینکه کسر آن را هر چه خواه باشد در جزء مخارج خود محسوب بدارد و بدون آنکه حق داشته باشد وجهاً من الوجوه آن را به خرج حصهٔ منافعی که نتیجهٔ عمل سال بعد است بیاورد.

فصل هشتم:

ضمانت: وجه الضمانهٔ چهل هزار لیرهٔ انگلیسی که در سال هزار و هشتصد و هفتاد و

دو عیسوی، بارون ژولیوس رویتر در بانک انگلیسی گذارده بود برای ضمانت تشکیل بانک شاهنشاهی به دولت علیه ایران تسلیم خواهد شد. فردای تشکیل بانک، دولت علیهٔ ایران مبلغ مزبور چهل هزار لیرهٔ انگلیسی را به بارون مذکور پس خواهد داد. هرگاه ابتدا از تاریخ امضای این امتیازنامچه به توسط بندگان اعلیحضرت [۳۵] اقدس شهریاری تا مدت نه ماه، بانک شاهنشاهی دایر نشود، وجه الضمانهٔ مزبور به دولت ایران منتقل خواهد شد، و این امتیازنامچه معدوم و ساقط الاعتبار خواهد بود، مگر در صورتیکه بین بعضی دول بزرگ اروپا جنگی برپا شود و یا در صورتی‌که دولت ایران در آن جنگ دخالت به هم رساند و یا در وجه هر اتفاق فوق العاده.

فصل نهم:

قوانین: در حین تشکیل بانک شاهنشاهی، بانی‌های او قواعدی را که به موجب آنها باید بانک دایر شود نشر خواهد داد و آن قواعد باید مطابق مدلولات این امتیازنامچه باشد. پس از تشکیل بانک، قواعد مزبوره متغیر نخواهد شد مگر به موجب قرارداد مجلس عمومی صاحبان اسهام، و مجلس مزبور باید در تغییراتی که جاری می‌سازد، حفظ و رعایت مدلولات این امتیازنامچه را بنماید.

فصل دهم:

حمایت: مجلس اجراء حقوقی که به موجب این امتیازنامچه داده [۳۶] شده بانک مزبور در ظل حمایت بندگان اعلیحضرت شهریاری و دولتشان خواهد بود. بانک هم متقبل می‌شود که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم دانسته اطاعت نماید.

حکمیت: در صورتیکه بین دولت و بانک و یا بین بانک و سایر مردم اختلافی ظاهر گردد هر یک از طرفین، یک یا دو حکم منتخب خواهند نمود و قرارداد آن حکمها قاطع خواهد بود. و در صورت عدم توافق بین حکمها، حاکمی دیگر منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت، اطاعت خواهد شد.

فصل یازدهم:

معادن: از آنجایی که بانک شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فوریت را بجا بیاورد، دولت علیه به بانک مزبور و در تمام مدت این امتیازنامچه، امتیاز مانع لغیر قطعی می‌دهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن، مس، سرب، [۳۷] زیبق، ذغال سنگ، نفط، مانگانز، آمیانت[۱] را که متعلق به دیوان می‌باشند و قبل از وقت به دیگران واگذار نشده‌اند، دایر نمایند.

چون مضاف این امتیازنامچه دولت علیه ایران در روز امضای این امتیازنامچه، بارون ژولیوس رویتر، صورت رسمی معادنی را خواهد داد که قبل از وقت به دیگران داده شده‌اند معادن طلا و نقره و جواهرات و آن فلزاتی که در فوق ذکر نشده‌اند، متعلق به دیوان می‌باشند، لاغیر و مهندسین بانک که آنها را کشف کنند، مجبورند فوراً کشف آنها را به دولت بندگان و اعلیحضرت شهریاری اطلاع برسانند.

دستمزد: غیر از مهندسین و سرکارهایی که ضروری می‌باشند، تمام عملجات معدنچی که برای دایر نمودن معادنش بانک اجیر نماید [۳۸]، از میان تبعهٔ بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری منتخب خواهد شد.

دولت علیه به تمام وسایلی که در دست دارد، بانک را اعانت خواهد کرد، از این که مزد عملجات لازمه به نرخ عادله وقت برایش میسر شود.

تمام معادنی که، بانک ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهد شد که بانک مزبور، صرف‌نظر از آنها نموده است و دولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانک صاحب امتیاز بتواند مانع شود.

فصل دوازدهم:

اراضی مجانی: اراضی[ای] که برای دایر نمودن آن معادن و برای ساختن یک راه

---

1. Amiante = پنبهٔ نسوز.

مراوده یا طریق حمل و نقل اقرب یا اسرع لازم می‌باشند، آنچه متعلق به دیوان است از جانب دولت علیه مجاناً به بانک داده خواهد شد. هرگاه در مسیر این راه مراوده املاکی یافت شوند متعلق [۳۹] به اشخاص متفرقه، دولت علیه ایران، بانک را در خرید آن املاک از صاحبانش به تمام وسایلی که در دست دارد اعانت خواهد نمود.

معاف از خرج: ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن به خاک ایران داخل خواهند شد بدون اینکه هیچ حقی بدهند.

اراضی و ابنیهٔ [مربوط] به آن اداره‌جات معدنی معاف از هر مالیات و عوارض خواهند بود.

فصل سیزدهم:

منفعت دولت: از منافع خلص تمام معادن که بانک دولتی دایر نموده است، دولت علیهٔ ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود.

رجعت به دولت: در انقضای مدت این امتیازنامچه، اراضی معادن با ابنیهٔ آنها و ادوات و متعلقات آن به دولت علیهٔ ایران [۴۰] تعلق خواهند گرفت، موافق قوانین کلّیه که دول آن را معمول داشته‌اند و در این باب شرایط بسیار مساعد را برقرار ساخته‌اند.

فصل چهاردهم:

صرف کردن از حقوق سابقه: به ازای حقوقی که به موجب این امتیازنامچه به بارون ژولیوس رویتر واگذار شده‌اند، بارون مذکور صریحاً اقرار بر ترک کامل بلااستثناء تمام حقوق و امتیازاتی می‌نماید که بر حسب امتیازنامچهٔ قدیم مورخهٔ ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ ماه عیسوی که به توسط این شروط معدوم و ساقط الاعتبار گردید به مشارالیه عطا شده بودند.

این قرارنامه در طهران نسختان نوشته شد و آن دو نسخه یکی به قسم و صحهٔ مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری و به مهر وزارت امور خارجه رسیده. دیگری را

مسیو بارون جرج رویتر از جانب مسیو بارون ژولیوس رویتر، امضا کرده در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۶ مطابق سی‌ام ژانویه ۱۸۹۹ میلادی مبادله شدند.

جرج رویتر در حضور من امضا کردند
درومن ولف[1] وزیر مختار انگلیس

[۴۱] فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی ایران

ضمیمهٔ اول: امضا کنندهٔ ذیل متعهد می‌شود اصل امتیازی که به بارون ژولیوس رویتر [در] تاریخ ۲۵ ماه ژوئیه ۱۸۷۲ مرحمت شده، در ظرف ده روز بعد از ورود خودش به ایران به وزیر امور خارجه انگلیس تسلیم نماید. این نوشته به اسم نماینده اعلیحضرت پادشاه انگلیس در طهران عنوان خواهد شد و جناب معزی‌الیه متقبل می‌شود که نوشتهٔ مزبوره را به دولت علیهٔ ایران تسلیم نماید.

تحریراً به تاریخ سیم جانویه سنهٔ ۱۸۸۹
محل مهر و امضای جرج دوررویتر
محل مهر و امضای هنری درامن دوولف ایلچی مخصوص
و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس به دربار ایران

[۴۲] فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمهٔ دویم: مقرر است که بانک شاهنشاهی مواجب مأمور مخصوص مذکور در فصل چهارم این امتیاز [را] به دولت علیهٔ ایران ادا نماید. این مواجب مذکور که عبارت

---

۱. سر هانری درومندولف Sir Henry Drummond Wolff از ۵ شعبان ۱۳۰۵ تا ۲۴ ربیع‌الأوّل ۱۳۰۸ قمری وزیر مختار انگلیس در طهران بود (شرح حال رجال ایران، ج ۴، پاورقی ص ۴۶۳) محمّد حسن خان اعتمادالسلطنه در روزنامهٔ خاطرات خود چندین بار از این شخص نام می‌برد از جمله در وقایع روز شنبه ۲۲ ربیع‌الأوّل ۱۳۰۷ می‌نویسد: «امروز ولف وزیر مختار انگلیس که به فرنگ رفته بود و در این سفر شاه در خاک انگلیس همه جا همراه بود و نهایت پدرسوختگی را بروز داد و دولت و ملّت ما را مفتضح کرد با چرچیل مترجمش که از خودش حرامزاده‌تر است مراجعت نموده وارد تهران شدند. خداوند ایران را از شرّ آنها محافظت کند».

است از سه هزار تومان در آخر هرسال مالیه یعنی در ۲۰ مارس، بانک باید کـارسازی نماید.

تحریراً در طهران مورخه ۳ سنهٔ ۱۸۸۹
محل مهر و امضای جرج دوررویتر در حضور من امضا شده
محل مهر و امضای هنری درامن دوولف ایلچی مخصوص و وزیر
مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس به دربار ایران

[۴۳] فصل ملحقه امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمهٔ سیم: واضح و معلوم می‌باشد که وجه الضمانهٔ چهل هزار لیرهٔ انگلیسی که به موجب فصل هشتم امتیازنامچه به دولت علیهٔ ایران داده شود تسلیم بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری خواهد گردید.

این تنخواه برای بندگان اعلیحضرت همایونی قرض دو کرور فرانک یعنی چهل هزار لیره خواهد بود که در فصل ششم ذکر شد و به این نحو از پیش تسـلیمش وقـوع بـهم میرساند. بناءً علیه، از فردای روز تشکیل بانک، بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری به عوض اینکه از برای دولتشان قرض دو کرور فرانک قید شده در فصل ششم را بخواهند، به مدیرهای بانک شاهنشاهی امر خواهند فرمود که این مبلغ را چون رد وجه الضمانه به بارون ژولیوس رویتر بدهند. این... همان امتیاز را خواهد داشت که هرگاه کلمه به کلمه در خود امتیازنامچه، درج شده می‌بود. در طهران ۱۸۸۹ قلمی گردید.

محل مهر و امضای جرج دورویتر
در حضور من امضا شد
محل مهر و امضای هنری درامن دوولف
ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس

[۴۴] فصول اصلاحیه

ضمیمهٔ چهارم: این فصول ذیل هرگاه با شرایط اصل امتیازنامچه و ضمیمات آن تفاوت دارد، برقرار و قاطع خواهند بود.

فصل اول:

مرکز اصلی در طهران خواهد بود و نشر بلیت بانک در همانجا خواهد بود و در سایر جاها نخواهد بود.

فصل دویم:

بانک شاهنشاهی بدون اجازهٔ دولت علیهٔ ایران حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیهٔ ایران گرو بیع شرطی از قبیل املاک و اراضی و دهات و غیره قبول کند. و هم بدون اجازه حق نخواهد داشت بروات دولتی را تنزیل کند [۴۵] یا به اعتبار آنها وجهی به کسی قرض بدهد، غیر از برواتی که به بانک حواله شده باشد.

فصل سیم:

سرمایهٔ بانک می‌تواند منقسم شود به اسهام و استاک که مناسب باشد. بانک می‌تواند تشکیل شود مطابق قانون آن ولایت که سرمایه یا قسم اکبر آن تحصیل شده باشد. محل امضا فقط در مکانهای مناسب وضع خواهد شد. اسهام بانک‌دار خواهد شد.

فصل چهارم:

ضمانت اداء بلیتها از قرار ذیل خواهد بود: بانک صریحاً متقبل می‌شود که اقلاً یک ثلثی از وجه بلیتهای منتشر شدهٔ خود را نقداً موجود داشته باشد و دو ثلث از این وجه نقد می‌تواند قرص طلا و نقره باشد. تفاوت ما بین موجودی نقدی و وجه بلیتهای منتشر شده هرگز زیادتر از وجه سرمایهٔ ادا کرده نخواهد بود.

[۴۶] **فصل پنجم:**

دولت علیهٔ ایران، مراقبت تامهٔ خود را در بانک به توسط مأمور محترمی که خود معین کند جاری خواهد ساخت. حقوق این مأمور از قرار ذیل خواهد بود:

بر حسب حق، در مجالس عمومی بانک و همچنین در مجالس شورای رؤسا در طهران حضور بهم خواهد رساند و دولت علیه را از هر تغییر و تبدیل فصول امتیازنامچه مطلع خواهد ساخت، مخصوصاً مراقبت تمام خواهد داشت که مدلولات فصل سیم از امتیازنامچه که در این فصول بیان شده است، رعایت شوند و مراقبت روابط بانک با خزانهٔ دولت علیه بر عهدهٔ او است، و چون نخواهد توانست در تدابیر و نظارت اعمال بانک خود را داخل سازد، مأموریت او به هیچ وجه اسباب مسئولیت دولت علیه نخواهد بود.

فصل ششم:

علاوه بر چهل هزار لیرهٔ انگلیسی که قرار شده است بانک شاهنشاهی به دولت علیه بدهد، [۴۷] استقراضات و پیشکی دیگر را بدون ضمانت پسندیده نخواهد داد و وجوه کل این پیشکی و استقراضات هیچ وقت زیادتر از یک ثلث وجه سرمایهٔ ادا کردهٔ بانک نخواهد بود.

فصل هفتم:

ادای حق سالیانهٔ اولی به دولت علیه که در فصل هشتم از امتیازنامچه مقرر است در آن ۲۰ ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعد از انقضای یک سال بعد از شروع به کار بانک در ایران [است].

فصل هشتم:

در صورت عدم توافق بین حکمی که مطابق فصل دهم از امتیازنامچه مقرر شده‌اند برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلاف که مابین بانک و اشخاص مختلف ظاهر گردد، آن حکم آخری به توسط سفیری از دول فرانسه یا آلمان یا اطریش یا ایطالیا مقیم طهران [۴۸] انتخاب خواهد شد و هر اختلافی که در ممالک ایران، خارج از دارالخلافه مابین بانک و اشخاص مختلف ظاهر گردد می‌تواند قطع شود به توسط حکمی که در خود محل اختلاف به توسط قونسول یا وکیل قونسولگری دول مزبوره به رضای طرفین

انتخاب شده است. هرگاه اختلافی مابین دولت علیه و بانک ظاهر گردد، بانک حق دارد که شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد و این شخص باید ساکن اروپ باشد و به توسط روسای کل از بانکهای دولتی دول فرانسه و آلمان و اطریش و ایطالیا یا به توسط یکی از آنها انتخاب خواهد شد و دولت علیه رأی دو حکم اولی را یا رأی حکم آخری را فوراً جاری خواهد ساخت.

فصل نهم:

خود بانک، معادن و کارهای دیگر مذکوره در فصل یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از امتیازنامچه و ایضاً کارهای تجارتی مذکور در فصل اوّل از امتیازنامچه دایر نخواهد نمود. امّا بانک حق خواهد داشت، یا همه یا یکی [۴۹] از حقوق که مطابق فصول مزبور عطا شده‌اند، به کسی یا کسانی بفروشد یا واگذار نماید و این فروش یا واگذاری، مطابق فصول امتیازنامچه خواهد بود مشروط بر این که آن کس یا کسان را جهت اجازه به دولت معرفی کند و بدون چنین اجازه از جانب دولت علیه، چنین واگذاری یا فروش، کامل نخواهد بود.

هرگاه دولت علیه اجازه را بدون سببی که صحیح باشد به تعویق بیندازد یا هیچ ندهد، بانک حق دارد آن فقره را به حکمی رجوع نماید مطابق فصل دهم از امتیازنامچه که در فصل هشتم این اصلاحات بیان شده است؛ و حق سالیانه فصل سیزدهم اصل امتیازنامچه مقرر است و بانک حق دارد این معادن و کارهای دیگر را تصدیق و معمولاً اعتبار آنها را تحقیق کند.

به تاریخ ۲۸ ذیقعدة الحرام سنهٔ ۱۳۰۶

مطابق ۲۷ جولای سنه ۱۸۸۹

در... امضا و به دو نسخهٔ متساوی مبادله شد.

[۵۰] سواد دستخط همایونی درباب نشر بلیت یک تومانی

به موجب فصل سیم امتیازنامچه، بانک شاهنشاهی ایران حق ندارد بدون اذن دولت علیه، بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد؛ ولی چون در این اوقات، معلوم کارگزاران دولت ابد مدت گردید که نشر بلیتهای یک تومانی اسباب سهولت معاملات و داد و ستد بانک مزبور می‌شود با اهالی ایران، به موجب این نوشته، دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی اجازه می‌دهد که بانک شاهنشاهی لغایت آن اندازه بلیت که برحسب امتیازنامچه حق نشر دارد، قسمتی از آن را که صلاح بداند، بلیت یک تومانی نشر بدهد.

بتاریخ ۲۲ رجب المرجب اودئیل ۱۳۰۷

محل صحه مبارک

[۵۱] به حضور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عرضه می‌دارد؛ مطابق فصل نهم از ضمیمهٔ چهارم امتیازنامه، که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه به بانک شاهنشاهی مرحمت فرموده‌اند باکمال شرف و افتخار به دولت علیه عرض می‌نماید که حقوق دایر نمودن عمل معادن را به کمپانی انگلیسی واگذار نماید که مدیری آن کمپانی به یکی از روسای بانک شاهنشاهی ایران باشد و از روسای دیگر، سه نفر از روسای بانک مذکور خواهد بود و چون این قرار مذکور به دولت علیه ضمانت کلّی خواهد بود که نصف از معادن به درستی کارسازی خواهد شد.

محترماً از جناب مستطاب اجل اکرم اشرف استدعا می‌نماید که از دولت علیه اذن و اجازه حاصل نمایند که این واگذار مذکور قبول رابینو[۱] بشود.

جواب

مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرم مهربان مسیو رابینو رئیس بانک

۱. پس از فروخته شدن سهام اولیه هیئتی به ریاست «ژوزف رابینو» که سالها در قاهره به کار بانک لوین مشغول بود و در کار بانکداری بخصوص در ممالک شرقی سابقهٔ ممتد داشت برای افتتاح بانک به طهران آمد (تاریخ مؤسّسات تمدّنی جدید در ایران، ج ۲، ص ۸۱).

شاهنشاهی ایران در خصوص واگذار کردن حقوق دایر نمودن عمل معادن را به کمپانی انگلیس که بانک شاهنشاهی ایران به موجب بر حسب فصل نهم ضمیمهٔ چهارم [۵۲] امتیازنامه مجاز گردیده کاغذی در تاریخ یوم جمعه ۱۳ ژانویه ۱۸۸۹ میلادی مطابق یازدهم جمادی الاول ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید، ملاحظه گردید. از خاکپای مبارک همایونی روحنا فداه گذراندم. مقرر فرمودند؛ در صورتی که بانک شاهنشاهی متقبل اجرای تمام شرایط مندرجه در فصل مزبور ضمیمهٔ یازدهم و دوازدهم و سیزدهم اصل امتیازنامچه و ضامن صحت حساب و رساندن تمام حقوق دولت علیهٔ ایران است که در فصل سیزدهم اصل امتیازنامچه قید شده است، اجازه به او می‌دهم که واگذار مذکور را جاری سازد. و البته در صورتی که شرکت معدنی به این ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه کمال تقویت به او خواهد شد.

فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۰۷

مطابق ۱۵ ژانویه ۱۸۹۰

نسخهٔ به صحهٔ مبارک رسیده نزد حضرت مستطاب اجل اشرف آقای امین السلطان وزیر اعظم مدظله العالی ضبط و نسخهٔ دیگر به مهر حضرت معظم الیه به را بینو رئیس بانک سپرده شد. و السلام



[۵۴] امتیازنامهٔ قند

فی مابین بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم آقای امین السلطان وزیر اعظم دولت علیهٔ ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ و موشّح به صحّ همایون شاهنشاهی و مسیو ادوارد دتی مهندس و رعیت بلژ ساکن طهران مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید:

فصل اوّل:

دولت علیهٔ ایران به مسیو دتی و وارث یا وکلای او امتیاز و حق مطلق برای ساختن قند و گلوکز قند در تمام دولت علیهٔ ایران می‌دهد.

فصل دویم:

این کارخانجات و محل کشت و زرع نیشکر و چقندر و نباتات قندی باید در جائی که صاحب امتیاز مصلحت بداند احداث و معین شود ولی با اطلاع دولت علیهٔ ایران.

[۵۵] **فصل سیم:**

دولت علیهٔ ایران به صاحب امتیازنامچه اجازه می‌دهد که تمام ادوات و اسباب و

مصالحی [را] که برای ساختن و دایر داشتن و محصول این کارخانجات لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری و غیره وارد نماید و دولت علیهٔ ایران مالیات و حقوق دیگر از ادوات و مصالح و حاصل کارخانجات و دخل و املاک و نیز از اجزاء و عملجات، خلاصه آنچه که متعلق به این امتیازنامچه می‌باشد وجهاً من الوجوه حق مطالبه نخواهند داشت.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز آنچه راکه متعلق به ساختن و دایر داشتن امتیاز و فروختن حاصل خود می‌باشد به کلی مأذون و مختار است.

فصل پنجم:

[۵۶] صاحب امتیاز همه ساله باید در وجه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ صدی پانزده از منفعت خالصی که از دایر داشتن این امتیازنامه حاصل می‌شود بپردازد. دولت علیهٔ ایران حق خواهد داشت یک نفر مأمور تعیین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل یعنی حسابهائی که منافع سالیانه را معلوم می‌کند اطلاع حاصل نماید.

فصل ششم:

طول مدت این امتیازنامچه از روز امضای آن الی مدت سی سال می‌باشد. در این مدت سی سال، ساختن قند و گلوکز قند در تمام دولت ایران ـ چه از برای تبعهٔ ایران و چه از برای تبعهٔ خارجه ـ به کلی قدغن و ممنوع است و حق مطلق ساختن قند و گلوکز قند در تمام مدت مذکور برای صاحب امتیاز خواهد بود ولی کارخانه‌هائی که [۵۷] الحال در یزد قند درست می‌کنند خواهند توانست که همان قدر درست نمایند.

هرگاه در انقضای مدت دو سال صاحب امتیاز شروع در برقرار داشتن کارخانجات خود ننمود این قرارنامه باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد.

فصل هفتم:

دولت علیهٔ ایران تعهد می‌نماید که نسبت به این عمل و اجرای آن حمایت خود را مبذول فرمایند.

فصل هشتم:

هرگاه در این مدت سی سال دولت علیهٔ ایران تغییر در عهدنامه‌های تجارتی خود با دول خارجه بدهد به طوری که از برای دولت علیه ممکن گردد ادخال قند و گلوکز قند را در تمام خاک ایران قدغن نمایند آن وقت تعهد می‌نماید که به مسیودتی یا به آن اشخاصی که این قرارنامه به ایشان [۵۸] منتقل می‌شود مونوپُل[۱] تمام ادخال ساختن و فروختن قند وگلوکز قند را در تمام خاک دولت علیهٔ ایران فقط به موجب شرایط جدیدهٔ ذیل بدهند:

اولاً: صاحب امتیاز یا سایرین من جانبه حق دارند که چوب آلات لازمه را به جهت ساختن و دایر داشتن این امتیاز از جنگلهای دولتی مجاناً استخراج نمایند ولی فقط به جهت این عمل.

ثانیاً: قدغن اکید بشود که کسان دیگر در تمام دولت علیهٔ ایران قند و گلوکز قند داخل ننمایند و نسازند و نفروشند.

ثالثاً: در عوض صدی پانزده که در فصل پنجم ذکر شده است صدی بیست از منفعت خالص در وجه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ پرداخته شود.

فصل نهم:

مسیو دتی از الحال مأذون است که این امتیازنامچه را با تمام حقوقات و تعهدات خود به اشخاص دیگر یا به یک کمپانی منتقل سازد [۵۹] و این انتقال به اذن و اجازه و امضای دولت علیهٔ ایران خواهد بود.

فصل دهم:

این امتیازنامچه که به خط ایرانی نوشته شده و ترجمهٔ رسمی آن به خط فرانسه در حاشیه مسطور رفته است باید به مهر حضرت مستطاب اشرف افخم اعظم آقای

---

1. Momopole = انحصار.

امین السلطان ممهور و به صح مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ مزین گردد.

در دارالخلافهٔ طهران به تاریخ هفدهم شهر شعبان المعظم
سنهٔ ۱۳۰۶ هجری مطابق هیجدهم ماه آوریل ۱۸۸۹ مسیحی
نسختان نوشته شد.



[۶۰] امتیازنامۀ شیشه آلات

فی مابین بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان وزیر اعظم دولت علیۀ ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ و موشح به صح مبارک همایون شاهنشاهی و مسیو ادوارد دتی مهندس و رعیت بلژ ساکن طهران مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید:

فصل اول:

دولت علیۀ ایران به مسیو ادوارد دتی و وارث یا وکلای او امتیاز و حق مطلق بـرای ساختن شیشه آلات از قبیل ظروف و آئینه و شیشۀ در و پنجره و بلور آلات و غـیره و بارفتن آلات و آنچه که متعلق به این صنایع است در تمام دولت ایران می‌دهد.

[۶۱] **فصل دویم:**

این کارخانجات باید در جائی که صاحب امتیاز مصلحت می‌داند احداث و معین ولی به اطلاع دولت علیه [باشد].

فصل سیم:

دولت علیۀ ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که تمام ادوات و اسباب و مصالحی

که برای ساختن و دایر داشتن محصول این کارخانجات لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری و غیره وارد نماید و دولت علیهٔ ایران مالیات و حقوق دیگر از ادوات و حاصل کارخانجات و دخل و املاک و نیز از اجزاء و عملجات، خاصه آنچه را که متعلق به این امتیاز است وجهاً من الوجوه حق مطالبه نخواهد داشت.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز همه ساله باید دروجه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس [۶۲] شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ صدی پانزده از منفعت خالص [را] که از دایر داشتن این امتیازنامه حاصل می‌شود بپردازد و دولت علیهٔ ایران حق خواهد داشت که یک نفر مأمور تعیین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل ـ یعنی حسابهائی که منافع سالیانه را معلوم می‌کند ـ اطلاع حاصل نماید.

فصل پنجم:

صاحب امتیاز آنچه را که متعلق به ساختن و دایر داشتن امتیاز و فروختن، حاصل خود می‌باشد به کلی مأذون و مختار است.

فصل ششم:

طول مدت این امتیازنامه از روز امضای آن الی مدت سی سال می‌باشد. در این مدت سی سال، ساختن شیشه آلات از قبیل در و پنجره و بلور آلات و ظروف و آئینه و غیره و بارفتن آلات در تمام دولت علیهٔ ایران چه از برای تبعهٔ ایران چه از برای تبعهٔ خارجه به کلی قدغن و ممنوع است. اما شیشه‌گر خانه‌هائی که از سابق دایر می‌باشند [۶۳] خواهند توانست که به حالت حالیهٔ خود باقی بمانند و آنچه را که الحال می‌سازند بعدها نیز بسازند و حق مطلق ساختن اشیاء مزبور در تمام مدت مذکور برای صاحب امتیاز خواهد بود.

هرگاه در انقضای مدت دو سال صاحب امتیاز شروع در برقرار نمودن کارخانجات خود ننمود این قرارنامه باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد.

فصل هفتم:

دولت علیهٔ ایران تعهد می‌نماید که نسبت به این عمل و اجزای آن حمایت خود را مبذول فرمایند.

فصل هشتم:

هرگاه در این مدت سی سال دولت علیهٔ ایران تغییر در عهدنامه‌های تجارتی خود با دول خارجه بدهند به طوری که از برای دولت علیه ممکن گردد ادخال شیشه آلات از قبیل شیشهٔ در و پنجره و بلورآلات و ظروف و آئینه و غیره و بارفتن آلات را در خاک ایران قدغن [۶۴] نمایند آن وقت تعهد می‌نماید که به مسیو دتی یا به آن اشخاصی که این قرارنامه به ایشان منتقل می‌شود مونوپل تمام ادخال و ساختن و فروختن شیشه‌آلات از قبیل شیشهٔ در و پنجره و بلور آلات و ظروف و ابنیه و غیره و با رفتن آلات را در تمام خاک دولت علیهٔ ایران به موجب شرایط جدیدهٔ ذیل بدهد:

اولاً: در عوض صدی پانزده که در فصل چهارم ذکر شده است صدی بیست از منفعت خالص در وجه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ پرداخته شود.

ثانیاً: قدغن اکیده بشود که کسان دیگر در تمام دولت علیهٔ ایران شیشه آلات و بارفتن آلات داخل ننمایند و نسازند و نفروشند.

ثالثاً: صاحب امتیاز یا سایرین من جانبه حق دارند که چوب آلات لازمه را به جهت ساختن و دایر نمودن این امتیازنامه از جنگلهای دولتی مجاناً استخراج نمایند.

فصل نهم:

مسیو دتی از الحال مأذون است که این امتیازنامچه را با تمام حقوقات و تعهدات به اشخاص دیگر یا به یک کمپانی [۶۵] منتقل سازد ولی این انتقال به اذن و اجازه و امضای دولت علیهٔ ایران خواهد بود.

فصل دهم:

این امتیازنامچه که به خط ایرانی نوشته شده و ترجمهٔ رسمی آن به زبان فرانسه در

حاشیه مسطور رفته است باید به مهر حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان ممهور و به صح مبارک بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ مزین گردد.

در دارالخلافهٔ طهران به تاریخ ۱۷ شهر شعبان المعظم
۱۳۰۶ هجری مطابق ۱۸ آوریل ۱۸۸۹ مسیحی
نسختان نوشته شد.



[۶۶] امتیازنامهٔ شمع گچی

فی مابین بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان وزیر اعظم دولت علیهٔ ایران من جانب بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ ارواحنا فداه ـ و موشح به صح همایون شاهنشاهی و مسیو ادوارد دتی، مهندس و رعیت بلژ، ساکن طهران، مراتب ذیل از طرفین برقرار گردید:

فصل اول:

دولت علیهٔ ایران به مسیو دتی و وارث یا وکلای او امتیاز و حق برای ساختن شمع گچی مثل شمع اروپا در تمام دولت علیهٔ ایران می‌دهد.

فصل دویم:

این کارخانجات باید در جائی که صاحب امتیاز مصلحت بداند احداث شود ولی به اطلاع دولت علیهٔ ایران [برسد].

[۶۷] **فصل سیم:**

دولت علیهٔ ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که تمام ادوات و اسباب و مصالحی

[را] که برای ساختن و دایر داشتن محصول این کارخانجات لازم است بدون حقوق گمرک و راهداری و غیره وارد نماید و دولت علیهٔ ایران مالیات و حقوق دیگر از ادوات و مصالح و حاصل کارخانجات و دخل و املاک و نیز از اجزاء و عملجات و چیزهائی که متعلق به این امتیازنامچه است وجهاً من الوجوه حق مطالبه نخواهد داشت.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز آنچه را که متعلق به ساختن و دایر داشتن امتیاز و فروختن حاصل خود می‌باشد به کلی مأذون و مختار است.

فصل پنجم:

صاحب امتیاز همه ساله باید در وجه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ صدی پانزده از منفعت خالصی [را] که از دایر داشتن [۶۸] این امتیازنامه حاصل می‌شود بپردازد.

دولت علیهٔ ایران حق خواهد داشت که یک نفر مأمور تعیین نماید که در آخر هر سال از دفتر خرج و دخل یعنی حسابهائی را که منافع سالیانه را معلوم می‌کند اطلاع حاصل نماید.

فصل ششم:

طول مدت این اعتبارنامه از روز امضای آن الی مدت سی سال می‌باشد و در این مدت سی سال، ساختن شمع در تمام خاک دولت علیهٔ ایران ـ چه از برای تبعهٔ ایران و چه از برای تبعهٔ خارجه ـ به کلی قدغن و ممنوع است و حق مطلق ساختن شمع مزبور در تمام مدت مذکور برای صاحب امتیاز خواهد بود.

هرگاه در انقضای مدت دو سال [صاحب] امتیاز، شروع در برقرار نمودن کارخانجات ننمود این قرارنامه باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد.

فصل هفتم:

دولت علیهٔ ایران تعهد می‌نماید که نسبت به این عمل و اجزای آن حمایت خود را

مبذول فرماید.

[۶۹] فصل هشتم:

هرگاه در این مدت سی سال دولت علیهٔ ایران تغییر در عهدنامه‌های تجارتی خود با دول خارجه بدهد به طوری که از برای دولت علیهٔ ایران ممکن گردد ادخال شمع گچی را درخاک ایران قدغن نمایند آن وقت تعهد می‌نماید که به مسیو دتی یا به آن اشخاصی که این قرارنامه به ایشان منتقل می‌شود مونوپل تمام ادخال و ساختن و فروختن شمع را در تمام خاک دولت علیهٔ ایران فقط به موجب شرایط جدیدهٔ ذیل بدهند:

اولاً: صاحب امتیاز یا سایرین من جانبه حق دارند که چوب آلات لازمه را به جهت ساختن و دایر داشتن این امتیازنامه از جنگلهای دولتی مجاناً استخراج نمایند ولی فقط به جهت این امتیازنامه است.

ثانیاً: قدغن اکید بشود که کسان دیگر در تمام دولت علیهٔ ایران شمع گچی داخل ننمایند و نسازند و نفروشند.

ثالثاً: در آن وقت منفعتی که از مونوپل [=انحصار] حاصل می‌شود قرار حقوق دولت را از قرار درصدی بیست از منافع خالص خواهند داد.

[۷۰] فصل نهم:

مسیو دتی از الحال مأذون است که این امتیازنامچه را با تمام حقوقات و تعهدات خود به اشخاص دیگر یا به یک کمپانی منتقل سازد ولی این انتقال به اذن و اجازه و امضای دولت علیه خواهد بود.

فصل دهم:

این امتیازنامچه که به خط ایرانی نوشته شده و ترجمهٔ رسمی آن به خط فرانسه در حاشیه مسطور رفته است باید به مهر بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد افخم اعظم آقای امین السلطان ممهور و به صح مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس

شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ مزین گردد.

در دارالخلافهٔ طهران به تاریخ هفدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۰۶ هجری مطابق ۱۸ آوریل ۱۸۸۹ مسیحی نسختان نوشته شد.
ساختن شمع پیه که حالا در ایران معمول است مجاز می‌باشد و ایرانیها حق خواهند داشت همه وقت آن را بسازند.

ضمیمهٔ امتیازنامه‌های کارخانه[های]
قند و بلور و چینی و شمع سازی

بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شهریاری ـ ارواحنا فداه ـ در حق مسیو ادوارد دتی صاحب این امتیازنامه‌ها تعدیلات آتیه را در ضمن امتیازنامه‌های مذکوره که در تاریخ ۱۸ شهر آوریل ۱۸۸۹ به مشارالیه مرحمت شده است قبول و عنایت می‌فرمایند:

اولاً: مدت شروع به اعمال امتیازنامه‌های مذکوره هیجده ماه دیگر امتداد داده می‌شود.

ثانیاً: مدت طول امتیازنامه‌ها به چهل و پنج سال مقرر می‌گردد.

ثالثاً: صاحب امتیاز می‌تواند املاک و ابنیه[ای را] که جهت کارخانجات لازم باشد به قدر اندازهٔ لزوم کارخانجات خریده یا اجاره نماید و دولت علیهٔ ایران اراضی[ای را] که به جهت کارخانجات مزبوره لازم خواهد شد مجاناً به صاحب امتیاز مرحمت خواهند فرمود و اراضی مزبوره از اراضی‌ای که متعلق به دولت بوده و بایر است معین خواهد شد.

در دارالخلافهٔ طهران مورخهٔ جمادی الاولی ۱۳۰۸ اعطا شد.



[۷۲] امتیازنامهٔ مشروبات

دولت علیهٔ ایران امتیاز ساختن شراب و الکل را در تمام مملکت خود به شرایط مشروحهٔ ذیل به ساوالان خان عطا می‌کند و احداث کارخانجات مزبوره در تمامی مملکت ایران منحصر و مخصوص خواهد بود.

مدت این امتیاز پنجاه سال است و در تمام مدت مزبور حقوق این قرارنامه محفوظ خواهد ماند.

دولت علیهٔ ایران اجازه می‌دهد که ساوالان خان از تبعهٔ خارجه و اهالی مملکت ترتیب شرکتی برای اجرای این عمل بدهد.

برای ابنیهٔ لازمه در اراضی خالصه مجاناً و در زمینهائی که متعلق به اشخاص است به قیمتی عادله به مشارالیه واگذار می‌شود که کارخانجات خود را دایر نماید.

به شراب و الکلها سوای گمرکی که در ورود شهرها دریافت می‌شود هیچگونه مالیات تازه نخواهد گذاشت که تا امروز معمول نبوده است.

بعد از سه سال آنچه از حاصل کارخانجات به خارج حمل می‌شود درصدی سه [۷۳] به دولت علیه حق خروج می‌دهد.

ساختن و فروش شراب و عرق به دارندهٔ امتیاز مخصوص است و احدی مجاز نیست نه در فروش و نه در ساختن، فقط اشخاصی که در خانهٔ خود برای مصارف شخصیه مشروبات می‌سازند از این حکم مستثنی خواهند بود.

دارندهٔ امتیاز هر ساله مبلغ بیست و پنج هزار تومان به خزانهٔ دولت علیهٔ ایران خواهد داد.

اهالی دهات و ملاکین، انگور محصول خود را به قیمت عادله و رضای خاطر به دارندهٔ امتیاز خواهند فروخت و اگر مزروع حالیه کافی نباشد دارندهٔ امتیاز می‌تواند به اجاره یا شراکت به زراعت انگور بیفزاید.

از چوب و مصالح که برای کارخانجات لازم می‌شود بیش از قیمت عادله مطالبه نخواهند کرد.

آلات و ادوات که از خارج ایران برای کارخانجات مزبوره لازم می‌شوند بیاورند از رسوم گمرک معاف است.

در انقضای پنجاه سال تمام کارخانجات و آلات و ادوات آن به دولت علیه تعلق خواهد یافت.

در هنگام مبادلهٔ این قرارنامه ساوالان خان بیست و پنج هزارتومان نقد، خارج [۷۴] از تعهدات سابق الذکر به حضور اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم خواهد کرد.

چنانچه از تاریخ امروز در ظرف پنج ماه این امر صورت تأخیری نیافت قرارنامهٔ حاضر کان لم یکن خواهد بود.

در صورت ظهور اختلافی مابین مأمورین دولت علیه و دارندهٔ امتیاز، نصّ فارسی مطلقاً محل امتیاز خواهد بود.

امتیازنامهٔ مشروبات به تاریخ ۲۹ ماه مه سنهٔ ۱۸۸۹ مسیحی در شهر ورشو به ساوالان خان اعطا شده و به تاریخ ۸ ماه از سنهٔ مزبور در پاریس ثبت سفارتخانهٔ دولت علیهٔ ایران گردیده و از طرف جناب نظر آقا[1] امضا شده و در تاریخ ۲۷ ماه از سنهٔ مذکور

---

۱. نظر آقا از رجال سیاسی ایران در عهد قاجاریه و در زمان عقد این قرارداد وزیر مختار ایران در پاریس بوده است.

وجه مقرری امتیازنامهٔ مسطور که مبلغ بیست و پنج هزار تومان باشد در شهر بوداپست تقدیم حضور مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ـ روحنا فداه ـ گردید، و امتیازنامهٔ مزبور مجدداً موشح به صح مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و نیز مزین گردیده به امضای حضرت مستطاب اجل اشرف امجد ارفع اعظم آقای امین السلطان [۷۵] ادام الله اقباله العالی بدین مضمون: مبلغ بیست و پنج هزار تومان بابت امتیاز مونوپل ساختن و فروختن مشروبات و الکلهای ایران که تاریخ آن از ۲۹ ماه مه بود و ساوالان خان تعهد کرده بود بپردازد امروز که ۲۹ ذیحجه مطابق ۲۷ ماه از سنهٔ ۱۸۸۹ می‌باشد در بوداپست از جانب مشارالیه و شرکای او تسلیم شده و به توسط من تقدیم حضور بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی گردید. بنابراین امتیازنامهٔ مزبور در کمال اعتبار است و ناسخی به جهت او نخواهد بود.

امضا امین السلطان علی اصغر

و بعد به صح اعلیحضرت شاهنشاهی مزین گردید.

امتیازنامهٔ مزبور به تاریخ فوق از جانب جناب نریمان خان[۱] امضا شده در غرهٔ سپتامبر سنهٔ ۱۸۸۹ در پاریس جناب نظر آقا نیز امضا کرده است.

محض اطلاع مرقوم می‌شود مهلت نامه[ای] که در سنهٔ ماضیه یک ساله مرحمت شده بود ابتدای آن از تاریخ ماه ادبود.

---

۱. نریمان خان قوام‌السلطنه که اعتماد السلطنه در روزنامهٔ خاطرات (ص ۷۸۳) از او به عنوان «نریمان خان ارمنی احمق خوشبخت» یادکرده پسر سلیمان خان سهام‌الدوله و برادرزادهٔ منوچهر خان معتمدالدولهٔ ارمنی است. از جملهٔ سمتهای او وزیر مختاری ایران در اطریش بود و در این سمت بود که توانست امتیاز چندین امتیاز را برای خارجیان کسب کند و بالطبع خودش به نوایی برسد. اوّلین پلّهٔ ترقّی او شرکت در عقد معاهدهٔ ننگین پاریس بود که به جای محاکمه و بازخواست، تشویق هم شد.



[۷۶] امتیازنامهٔ چراغ برق و تلفن

بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ممالک محروسهٔ ایران ـ روحنا فداه ـ اعطا می‌فرمایند به جناب اشرف یحیی‌خان مشیرالدوله امتیاز به کار داشتن چراغ برقی و تلفن و اسبابی [را] که متعلق است به قوهٔ الکتریک در تمام ممالک محروسهٔ ایران موافق شروط مفصلهٔ آتیه:

فصل اول:

کسان چاکر دولتخواه مأذون و مجاز خواهند بود که برای رسانیدن چراغ برق در کوچه‌ها و خانه‌های دارالخلافه و سایر بلاد داخله لوازم اسباب چراغ فراهم آورند از کشیدن سیم و نصب چراغهای پایه‌دار و کشیدن سیم تلفن.

فصل دویم:

آنچه لازمهٔ خرید و مخارج لوازم اسباب چراغ برق و تلفن باشد برعهدهٔ خود چاکر خانه‌زاد است.

[۷۷] فصل سیم:

هر چه اسباب از قبیل دیوارکوب و چراغ باید از برای روشن کردن چراغ برق در

کوچه‌ها و معابر حالیه لازم باشد کسان چاکر تهیه خواهند کرد ولی هر چه اسباب چراغ از دیوارکوب و پایه‌دار که با گاز روشن می‌شود حالا موجود باشد دولت به کسان چاکر مرحمت خواهند فرمود یعنی هر وقت چراغ برق موجود شود آن وقت تحویل داده می‌شود و عین آنها همیشه مال دولت است.

فصل چهارم:

بعد از اعطای این امتیاز، کارخانه‌های چراغ برق و سیمهای تلفن از تاریخ فرمان همایون بعد از دو سال دایر و جاری خواهد شد و اگر هم بتواند زودتر از دو سال به موقع اجرا خواهد گذاشت.

فصل پنجم:

در باب قیمت چراغ و قیمت مخابرهٔ تلفن برای عامهٔ مردم قبل از وقت، چاکر خانه‌زاد با اولیای دولت مذاکره خواهد کرد که قرار معین داشته باشد، از آن قرار تجاوز [۷۸] نشود. و ایّام امتداد روشنائی چراغ برق چهار ساعت خواهد بود مگر این که اولیای دولت قرار جداگانه و فرمایش دیگر بفرمایند.

فصل ششم:

معابر و کوچه‌هائی که حالا در طهران به چراغ گاز روشن است به همان قیمتی که الآن دولت می‌دهد همان قیمت را مرحمت فرمایند. کسان چاکر با چراغ برق روشن می‌کنند.

فصل هفتم:

ریاست روشن کردن چراغهای برق ـ چه از برای دولت و چه مردم ـ با خود کسان چاکر خانه‌زاد خواهد بود.

فصل هشتم:

امتیاز روشنائی چراغ برق و تلفن تا امتداد این قرارنامه در طهران و سایر شهرهای ممالک محروسه فقط به شخص کسان چاکر خواهد بود و بس.

[۷۹] فصل نهم:

مدت امتیاز این چراغ برق و تلفن و هر نوع آلات الکتریک از تاریخ اعطای فرمان همایونی درموعد شصت سال خواهد بود.

فصل دهم:

تمام آلات و ادوات کارخانهٔ الکتریک از هر گونه گمرک و راهداری و سایر عوارض دیوانی معاف خواهد بود مگر آنچه را که برای خرید و فروش باشد و ادارهٔ گمرک حق بازرسی خواهد داشت.

فصل یازدهم:

دولت و اولیای دولت، چاکر خانه‌زاد را مجاز خواهند فرمود که حقوق این امتیازنامه را به دیگری واگذار نماید که برای دایر نمودن چراغ برق و تلفن، یک کمپانی تشکیل شود که مشمول شرایط مندرجه باشند.

[۸۰] فصل دوازدهم:

چاکر درگاه با سرمایهٔ خود چراغی [را] که برای عمارت همایونی در طهران لازم است نصب و برقرار خواهد کرد و این چراغ از هر قبیل که باشد، از چراغهای بزرگ حیاط و خیابان و چراغهای کوچک مجلسی ـ ازچهلچراغ و غیره ـ به جهت اطاق که باشد باید حاضر نماید و قرار قیمت آن را با اولیای دولت خواهند داد. و همیشه ده عدد چراغ بزرگ در طهران مجانی خواهد بود.

فصل سیزدهم:

کسان چاکر خانه‌زاد به جهت اعمال مرجوعهٔ خود مجاز است که سیمهای لازمه در میان کوچه‌ها و بامها و یا زیر خاک بکشند.

فصل چهاردهم:

مخابرات و فرمایشات اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ با تلفن

مجانی و بلاعوض خواهد بود.

[۸۱] فصل پانزدهم:

اولیای دولت، امتیاز احداث «فونوگراف» و آنچه اسبابی که حالا اختراع شده است که با او یا صدا می‌توان مطلبی را رساند و مطلب را ثبت و ضبط کرد و فرس مسطریس که عبارت از قوهٔ الکتریسته است که با او می‌توان صنایع و کارخانجات و کالسکه و غیره را حرکت داد به چاکر دولتخواه مرحمت می‌فرمایند. و اگر دیگری از آنچه از الکتریک دایر و رواج می‌یابد بخواهد مداخله کند چون منحصر به این اداره است باید از این اداره بخواهد، به خودی خود حق مداخله نخواهد داشت و برای تمام ادارات خود که مجاز است هر قدر خانه و انبار و کارخانه و عملجات لازم باشد خواه به اجاره یا به ابتیاع از هر گونه صادرات و عوارض و مالیات دیوانی معاف و مسلم خواهد بود.

فصل شانزدهم:

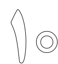
هرگونه اشکالات و گفتگوئی که در باب چراغ برق و تلفن و غیره فی مابین دولت و کمپانی احداث شود رفع آن باحکمی است که طرفین با [۸۲] اجازهٔ دولت انتخاب خواهند کرد. هرگاه اختلافی فی مابین نسختین فرانسه و فارسی به هم رسد محل اعتبار خط فرانسه خواهد بود.

فصل هفدهم:

این امتیازنامه در میان وزارت جلیلهٔ امورخارجهٔ دولت و دارندهٔ امتیاز در دو نسخه مبادله شد. عبارات و فصول آن به فارسی و فرانسه متساویاً سند طرفین خواهد بود.

ان شاء الله تعالی این امتیازنامه را که عبارت از هفده فصل است موافق شروط مقرره در سایهٔ بلند پایهٔ بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ به موقع اجرا خواهد گذاشت.

فی شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۳۰۷ محل مهر مشیر الدوله



[۸۳] امتیازنامهٔ راه عربستان[۱]

این امتیازنامه برای ساختن راه فی مابین دارالخلافه الی اهواز برای حمل مال التجاره به توسط یک عراده با یک شعبه از راه بروجرد به اصفهان.

فصل اول:

اولیای دولت علیه به چاکر دولتخواه این امتیاز را مرحمت خواهند فرمود و مدّت آن از روز تاریخ صدور فرمان الی انقضای شصت سال تمام باشد. این چاکر دولتخواه حق آن را خواهد داشت که راه فی مابین اهواز و طهران را به انضمام راه فی مـابین بـروجرد و اصفهان بسازد.

و حق دیگر چاکر آن است که در عرض راه در هر نقطه و مکانی که صلاح بـدانـد کاروانسرا و پل و خانه از برای سکونت عملجات و انبار و اصطبل و لوازمات دیگـر و کارخانجات نجاری و حدادی که برای راه ضرور است بسازد.

و حق دیگر چاکر این است که حمل و نقل مال التجاره و سیاح را به وقت و قرار معین تجدید نماید و در عرض راه حق آن را خواهد داشت که در هر جا لازم است مجرای آب

---

۱. خوزستان فعلی.

قنات احداث نماید [۸۴] ولی فقط برای منزلگاههائی که آب داشته باشد. و در هر منزلگاهی از اراضی بایره که مال دولت باشد به اندازهٔ چهارهزار ذرع منزلگاه عطا خواهند فرمود که به جهت قوت خود کشت و زرع نمایند. و مجاز خواهد بود که محصول آن را اگر بخواهد بفروشد یا به خارجه حمل نماید. همچنین مجاز خواهد بود اراضی [را] که به توسط صاحب امتیاز دایر شده است اجاره بدهد ولی به رعیت ایران.

دیگر چاکر خانه‌زاد متعهد است که حق عبور از دواب و مکاری و مسافر دریافت نکند مگر در سر پلهائی که مخصوص ساخته شده است و قرار آن را باید قبل از وقت با اولیای دولت بدهد.

فصل دویم:

برای ساختن ابنیهٔ فوق در عرض راه اراضی‌ای که متعلق به دولت باشد باید به قدر لزوم مجاناً مرحمت شود، اگر متعلق به مردم است چاکر خانه‌زاد یا اجاره خواهد کرد یا خریداری خواهد نمود.

فصل سیم:

راه و ابنیه در هر قریه که ساخته خواهد شد آلات و ادوات و اراضی ابتیاعی در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض ازدیاد تجارت و امنیت [۸۵] مال التجاره و سیاح در عرض راه که خط راه عبور می‌کند احکام مؤکد صادر فرمایند که اجزاء و اعضای راه، حمایت نموده حفظ و حراست کنند تا تعهدات چاکر به موقع اجرا برسد. و اگر در ضمن این حفظ گاهی احتیاطاً محتاج به قوهٔ عسکریه بشود دریغ نکنند و به هیچگونه عذری متعذر نشوند.

فصل چهارم:

چاکر دولتخواه برای اجرای این مقصود مجاز خواهد بود که از خارجه از سرمایه‌داران خارجه کمک بخواهد و مهندسین و عملجات خارجه اجیر نماید تا بحول الله این خدمت بزرگ انجام‌پذیر شود.

فصل پنجم:

اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حق مخصوص به چاکر می‌دهند که ساختن راه و ابنیه از قبیل پلها و منزلگاهها و قنوات و مجاری آب و آلات حمل و نقل را محض اطمینان سرمایه‌داران داخله و خارجه که پولشان به مصرف کلیهٔ راه می‌رسد به ضمانت بدهد [۸۶] و این امتیاز در مدت شصت سال از چاکر گرفته نخواهد شد مادامی که تمام پول که به مصرف این کار رسیده است به سرمایه‌داران رسیده باشد تا کارهای این راه به اتمام رسیده باشد و اتمام این کار باید در دو سال و نیم بعد از شروع باشد.

فصل ششم:

شش ماه بعد از صدور فرمان باید شروع به کار شود و الا این امتیازنامه از درجهٔ اعتبار ساقط است.

فصل هفتم:

یک سال بعد از دایر شدن ادارهٔ حمل و نقل مال‌التجاره و مسافرین در آخر هر سال از منافع حاصلهٔ این اداره، چاکر خانه‌زاد ده دو به خزانهٔ دولت تقدیم خواهد کرد. اولیای دولت به هیچ اسم و رسم، مالیات و راهداری و صادر و عارض از اراضی مزروع و غیرمزروع و مستقلات و متعلّقات به این راه مطالبه نفرموده کلیه را معاف خواهند فرمود. و نیز ادواتی که از هر قبیل برای این راه لازم باشد از دادن گمرک معاف خواهند بود [۸۷] و مباشرین گمرک‌خانه‌ها حق تجسّس دربارها خواهند داشت که معلوم شود مال متفرّقه داخل آن نباشد.

فصل هشتم:

خانه‌زاد متعهّد است که حمل و نقل پست دولتی را در خط این راه به نصف نرخ ببرد و نیز این چاکر دولتخواه متعهّد است که در حمل و نقل مال‌التجاره یا کرایه، تقدّم و تأخّر به اشخاص ندهد و یا ملاحظهٔ رعایت نموده اشخاص را به دیگری اختصاص و ترجیح ندهد و با تمام مردم در این مسأله به مساوات حرکت خواهد نمود که اسباب رنجش

احدی نشود.

فصل نهم:

چاکر خانه‌زاد برای انجام این مقصد منتهی سی نفر عمله و اجزای خارجه لازم خواهد داشت و آنها در تحت قانون و آداب دولت علیه خواهند بود.

فصل دهم:

برای تحصیل ده دو منافع معروضه، اولیای دولت علیه حق خواهند داشت که هر شش ماه به شش ماه به واسطهٔ مأمور مخصوص، دفاتر کسان چاکر را ملاحظه و رسیدگی نمایند [۸۸] این مأمور باید دائماً در آنجا باشد.

فصل یازدهم:

محض اطمینان خاطر اولیای دولت که این راه مسلّماً به اتمام خواهد رسید چاکر خانه‌زاد مبلغ ده هزار لیرهٔ انگلیسی در بانک آورده به طور ضمانت خواهد گذاشت و قبض بانک را تسلیم اولیای دولت خواهد کرد و این وجه، ضامن اتمام راه در مدّت سه سال ابتدا از تاریخ صدور فرمان خواهد بود. و این مبلغ وجه ضمانت که ده هزار لیرهٔ انگلیسی است به چاکر خانه‌زاد رد نخواهد شد مگر وقتی که یک خمس از راه ساخته شد یک خمس از این وجه مسترد گردد. به این ترتیب که یک خمس از راه ساخته شد یک خمس آن مسترد گردد، و قس علی هذا. اگر در مدّت سه سال راه تمام نشد هرقدر از وجه ضمانت که باقی است حق دولت خواهد بود.

فصل دوازدهم:

در آخر شصت سال که مدت امتیازنامه از تاریخ صدور فرمان است در صورتی که این امتیازنامه تجدید نشود[۱] تمام آلات و مستقلات غیر منقول [۸۹] مال دولت و منقول را در صورت لزوم خریداری خواهند فرمود.

---

۱. در متن: «بشود».

ان شاء الله تعالی در سایهٔ عدالت پیرایهٔ اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ به موجب شرایط دوازده‌گانه این خدمت را انجام خواهد نمود.

فی ۸ ربیع الاولی سنة ۱۳۰۷

محل مهر مشیر الدوله یحیی خان

فرمان مهر لمعان همایونی

چون در تمام راه شوسهٔ قم اهتمام مخصوصی به عمل آمده و مهندسین بیشتر از آنچه باید اوقاتشان را مصروف آن قطعه داشته‌اند لهذا مدتی که در قرارنامه معیّن شده کافی نخواهد بود برای اتمام راه عربستان، بنابراین دولت علیه به جهت اتمام این کار مدّت یک سال بر آنچه در قرارنامه معین شده افزوده‌اند یعنی باید از سیم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۷ مطابق ۲۷ نوامبر ۱۸۸۹ میلادی لغایت دو سال و نیم دیگر تمام شود در سه سال و نیم که مطابق ۲۷ مه ۱۸۹۳ میلادی. و نیز دولت علیه اجازه می‌دهد که راه شوسهٔ عربستان که مطابق امتیازنامه به اهواز محدود بود تا محمره ممتد شود.

شهر شوال سنة ۱۳۰۸

[۹۰] فرمان قضا جریان جهان مطاع همایونی

چون کمپانی راه شوسه برای ساختن راه از طهران به قم متحمل مخارج گزاف گردیده و علاوه بر تعمیرات راه که ناگزیر همه ساله واقع می‌شود باید مصارف کلّی بنماید لهذا مطابق قانونی که در سایر راههای شوسه معمول است امر و مقرر می‌شود که از حال تحریر و ما بعدها برای هر کالسکه و دلیژانس[1] و بارکش و عراده از هر قبیل که از طهران به قم بخواهد از خط جدید برود مبلغ یک تومان حق عبور بدهند و برای هر چاپاری نیز که بخواهد از آن راه برود پنج شاهی، اعم از این که بار داشته باشد یا نداشته باشد، و اگر به توسط چاپاریان تمام مسافت پیموده نشود به ازای هر منزلی که سیر می‌کنند باید یک

1. DiLigence = کالسکهٔ بزرگ = دلیجان

شاهی بدهند. و از دروازهٔ حضرت عبدالعظیم که در طهران است تا خود عبدالعظیم از این حق معاف است. حضرات مکاری که باید در عرض سال چندین مرتبه از این راه عبور و مرور نمایند می‌توانند به ادارهٔ کمپانی آمده قراری بدهند که جهت آنها مناسب‌تر تمام شود.

فی شهر شوال المکرم سنة ۱۳۰۸



[۹۱] امتیازنامهٔ دخانیات دولت علیه

مونوپل خرید و فروش و ساختن در داخل یا خارج ایران کل توتون و تنباکوئی [را] که در ممالک محروسه به عمل آورده می‌شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه به ماژور تالبُت و به شرکای خودشان مشروط به شرایط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم:

فصل اول:

صاحبان این امتیازنامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیرهٔ انگلیسی به خزانهٔ عامرهٔ اعلی کارسازی خواهند نمود اعم از این که این کار نفع یا ضرر [داشته باشد]. و این پول هر ساله در پنج ماه از سال گذشته پرداخته می‌شود.

فصل دویم:

فقط محض تعیین مقدار توتون و تنباکوئی که در ممالک محروسه به عمل آورده می‌شود صاحبان این امتیاز، ثبت زارعین [را] که می‌خواهند عمل زراعت این امتیاز را کنند نگاه خواهند داشت و دولت علیه به حکام محلیه حکم اکیدی خواهند فرمود [۹۲]

که زارعین تنباکو و توتون را مجبور به دادن ثبت ننمایند.

دادن اجازه‌نامچه از برای خرید و فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه و غیره حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه‌نامجات مذکور [را] ندارد و نخواهد داشت.

اصناف توتون و تنباکوفروش که مشغول این حرفت‌اند در کسب و معاملات داخلهٔ خود برقرار خواهند بود مشروط به داشتن اجازه‌نامچه‌ها که دارندگان امتیاز خواهند داد.

فصل سیم:

بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به این عمل و تقسیم صدی پنج برمایهٔ خودشان بین صاحبان این امتیاز یک ربع منافع باقی مانده سال به سال تسلیم خزانهٔ عامرهٔ اعلی خواهد شد و دولت ایران حق وارسی به دفاتر سالیانهٔ آنها خواهد داشت.

فصل چهارم:

جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می‌آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

[۹۳] **فصل پنجم:**

حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک محروسه بلا اجازهٔ صاحبان این امتیاز ممنوع است مگر آنچه مسافرین برای استعمال یومیهٔ خودشان همراه داشته باشند.

فصل ششم:

صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکوئی [را] که در ممالک محروسه به عمل آورده می‌شود ابتیاع و در عوض آن نقد کارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد. باید تمام توتون و تنباکو و غیره که فعلاً موجود است ابتیاع نمایند. قیمتی [را] که باید به عمل آورنده یا مالک داده شود دوستانه بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیّت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم حکم قطعی و مجری خواهد شد.

فصل هفتم:

دولت علیه متقبل می‌شود که به هیچوجه علاوه و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه دربارهٔ توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه [۹۴] تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه ننماید. همچنین دارندهٔ امتیاز و شرکای او متعهدند که تمام رسوماتی را که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیهٔ ایران می‌شود کماکان عاید گردد.

فصل هشتم:

هر کس یا کسانی که از این فصول گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات سخت دولت خواهد شد و هر کس یا کسانی که در پیش آنها است خفیةً تنباکو یا توتون و غیره به جهت فروش یا معامله پیدا شود نیز به جریمه و سیاست دولت گرفتار خواهد شد. دولت علیه حمایت و تقویت صریح هر چه تمامتر خود را دربارهٔ جمیع اعمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهد نمود و صاحبان این امتیاز تعهد می‌نمایند که به هیچ‌وجه از حقوق خود موافق این امتیازنامه تجاوز ننمایند.

فصل نهم:

صاحبان این امتیازنامه مجاز خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به هر کس یا کسانی که میل دارند منتقل نمایند. ولی قبل از وقت به اولیای دولت علیه اطلاع خواهند داد.

[۹۵] **فصل دهم:**

عمل آورنده یا مالک هر وقت توتون و تنباکوی خود را حاصل نموده باید فوراً به نزدیکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان به چه مقدار است تا اینکه صاحبان اعتبارنامه بتوانند تعهدات مقررهٔ فوق در فصل ششم را به موقع اجرا بگذارند و آن‌را به زودی ابتیاع نمایند.

فصل یازدهم:

صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند مگر به اندازهٔ لزوم

اجرای این امتیازنامه به جهت انبار و منزل و لوازم آن.

فصل دوازدهم:

زارعین بر طبق بعضی مشروطات که از جانب صاحبان این امتیاز به همراهی دولت مقرر می‌شود محق می‌باشند که به اندازهٔ آن برای حاصل خود پیشکشی بـه آنـها داده شود.

[۹۶] **فصل سیزدهم:**

اگر از تاریخ امضای این امتیازنامه تا انقضای مدت یک سال کمپانی اجرای آن تشکیل نشود و شروع به کار نشود این امتیازنامه از درجهٔ اعتبار ساقط و باطل خواهد شد مگر این که جنگ یا امثال آن مانع از تشکیل کمپانی واقع شود.

فصل چهاردهم:

در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه و صاحبان این امتیاز، آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت در تعیین حکم، اختلاف رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نـمایندگان دول اتـازونی یـا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد.

فصل پانزدهم:

این امتیازنامه به دو نسخه مابین اولیای دولت علیهٔ ایران و ماژور تالبُت بـه امـضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امورخارجه مبادله شده [۹۷] و مضمون فارسی آن محل اعتبار خواهد بود.

به تاریخ ۲۰ مارچ سنة ۱۸۹۰

مطابق ۲۸ رجب المرجب ۱۳۰۷

عریضه‌ای که ماژور تالبُت به خاکپای مبارک عرض نموده است

حضور بندگان اعلیحضرت امپراطوری پادشاه ایران

و غیره و غیره و غیره

اعلیحضرتا! امضا کننده ژرار فرانسیس تالبُت به عرض حضور مبارک می‌رساند که مطابق فصل نهم امتیاز مورخهٔ هشتم مارس سنهٔ ۱۸۹۰ که به این بنده مرحمت شده و به موجب آن مونوپل خرید و فروش و ساختن تمام توتون و تنباکو در تمام مملکت ایران به این چاکر عطا گردیده خیال دارم امتیاز مزبور را منتقل نمایم به شرکت موسوم به «کمپانی شاهنشاهی تنباکوی ایران» که موافق قوانین دولت انگلیس(!) تشکیل شده تا اینکه آن امتیاز را تحصیل نموده دایرش نماید.

لندن

۱۳ دسامبر ۱۸۹۰

کمترین و مطیع‌ترین چاکر آستان مبارک اعلیحضرت

ژرالد فرانسیس تالبُت

[۹۸] جواب دولت به ماژور تالبُت

دوست محترم ماژور تالبُت زید عزّه

عریضهٔ شما در باب انتقال [امتیاز] توتون وتنباکو وغیره به کمپانی شاهنشاهی تنباکوی ایران به عرض حضور مراحم ظهور اعلیحضرت اقدس همایونی دام سلطنته رسید. چون انتقال مزبور مطابق فصل نهم امتیازنامهٔ مذکوره بود موقع قبول یافت، من‌بعد کمپانی شاهنشاهی تنباکوی ایران را رسماً صاحب آن امتیاز می‌شناسد و این عریضه که در باب انتقال مزبور عرض گردیده بود در دفاتر دولت علیهٔ ایران ثبت شد.

فی ۱۰ شهر رجب المرجب ۱۳۰۸

۱۲

[۹۹] امتیازنامهٔ من دوپیته

قرارنامه و امتیاز برای ایجاد «من دوپیته» و ساختن مکانی جهت حراجی عمومی و همچنین ساختن انبارها جهت حفظ اسبابهائی که در نزد کمپانی رهن می‌گذارند.

فصل اول:

اشخاصی که با گرو پول قرض می‌نمایند برای اینکه از منفعت دادن گزاف آسوده باشند و عمل حراجی در تحت قاعده باشد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اجازه می‌دهند به ژاک دپلیاکوف، قنسول جنرال ایران و وارث او که «من دوپیته» برقرار نمایند و مکان حراج و انبارهائی [را] که لازم دارند بسازند.

و مدّت این امتیاز هفتاد و پنج سال خواهد بود از تاریخ امضای این قرارنامه.

فصل دویم:

این کمپانی قرض دهنده از هر قبیل اجناس منقول رهن قبول خواهد کرد. غیر منقول مثل خانه و ملک و دکان و زمین و غیره قبول نخواهد داشت و یک مکانی [۱۰۰] خواهد ساخت برای حراج کردن عمومی مثل این که در شهرهای فرنگستان معمول است.

فصل سیم:

صاحب امتیاز ابتدا شروع در طهران خواهد کرد و بعد حق خواهد داشت که در سایر شهرهای ایران مثل طهران یک «من دوپیته» و مکان جهت حراج عمومی برقرار نماید.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز می‌باید دو سال بعد از امضای این قرارنامه شروع به کار نماید و الّا این امتیازنامه از درجهٔ اعتبار ساقط است. قرارهایی که جهت این کار خواهد داد قبل از اجرا باید به عرض اولیای دولت برساند بعد شروع به کار کند.

فصل پنجم:

سرمایه و تقسیم سهام و ساختن انبار و مکان کلیةً تمام مخارج لازمهٔ این کار به عهدهٔ صاحب امتیاز خواهد بود.

فصل ششم:

تمام آلات و اجناس منقول مرهونه و نقد و ابنیه از قبیل خانه و انبار و عملجات و غیره که متعلق به صاحب امتیاز است و برای همین کار ایجاد کرده است در تحت حمایت دولت خواهد بود و به جهت حفظ اموال او هر چند نفر قراول که لازم باشد مضایقه نخواهند فرمود.

فصل هفتم:

در آخر هر سال بعد از وضع مخارج، صاحب امتیاز باید صدی ده از منافع کلی به خزانهٔ دولتی کارسازی نماید علاوه بر این صدی ده، در هر سالی مبلغ هزار تومان که مالیات حراج طهران است صاحب امتیاز به خزانهٔ دولت علیهٔ ایران کارسازی خواهد نمود. برای معلوم نمودن منافع صدی ده که به دولت باید برسد ایران حق دارد که به دفاتر عمل، رسیدگی نماید.

فصل هشتم:

در تمام مدت این امتیازنامه اموال صاحب امتیاز از قبیل منقول و غیر منقول و وجه

نقد [۱۰۲] کلیةً آنچه را که مالک می‌شود از جمیع صادرات و عوارض دیوانی معاف خواهند بود.

فصل نهم:

عملجات و اجزاء این کمپانی می‌توانند تبعهٔ دولت ایران باشند.

فصل دهم:

اجناس از هر قبیل که در رهن صاحب امتیاز است دیگری نمی‌تواند به هیچ‌وجه اسباب را ضبط کند یا بفروشد تا تمام تنخواه صاحب امتیاز داده شود.

فصل یازدهم:

هرگاه گفتگو و منازعه ما بین صاحب امتیاز و دیگران پیدا شود رسیدگی به این کار به عهدهٔ چهار نفر خواهد بود که دو نفر از آنها را دولت معین خواهند فرمود و دو نفر آن را صاحب امتیاز، هر حکمی که طرف غالب مجلس خواهد کرد همان اجرا خواهد شد. هرگاه ادعا و گفتگو در آن مجلس تمام نشود چند نفر دیگر را [۱۰۳] طرفین معین خواهند کرد که رسیدگی کنند.

هرگاه صاحب امتیاز مطلب مهمی داشته باشد به جناب وزیر اعظم اظهار نماید.

فصل دوازدهم:

هرگاه گفتگوئی جهت این امتیازنامه به میان بیاید از روی نوشته به خط فرانسوی که عیناً مطابق ترجمهٔ فارسی آن خواهد بود رسیدگی خواهد شد.

فصل سیزدهم:

قرار منفعت در هر صدی دوازده الی هیجده خواهد بود زیاده تجاوز نخواهد شد و همه قبیل اسباب و اشیاء قبول خواهد شد الی اسبابی که پنج هزار قیمت آن باشد مگر اسبابی که نگاه داشتن آن مشکل و محل خطر باشد.

فصل چهاردهم:

شخص مقروض می‌تواند دین خود را به دفعات ادا کند و این وجوه دفعاتی از دو قران

به بالا قبول خواهد شد. هرگاه به موجب خواهش قرض کننده، اسباب مرهونه فروخته شود وجوه دفعاتی محسوب خواهد شد. هر چه از وجه فروش باقی ماند به صاحب گرو داده می‌شود.

[۱۰۴] **فصل پانزدهم:**

هرگاه در سر وعده اسباب مرهونه از رهن خارج نشود یا اینکه سندش را تجدید نکند آن اسباب در حراجی عمومی فروخته خواهد شد. صاحب طلب نمی‌تواند آن اسباب را بخرد. تفاوتی که از فروش اسباب بعد از ادای قرض پیدا می‌شود به صاحب گرو داده خواهد شد و صاحب گرو از فردای روز حراج الی سه سال می‌تواند مطالبهٔ آن تفاوت را بکند.

فصل شانزدهم:

اسباب مرهونه باید بعد از مدت یک سال از گرو خارج بشود. هرگاه صاحب مال نتواند بعد از یک سال مال خود را از گرو بیرون بیاورد یا تجدید سند نماید در ماه سیزدهم آن گرو فروخته خواهد شد. برای تجدید سند باید بدواً فرع گذشته را بدهد بعد گروی را مجدداً به قیمت بیاورند، تفاوت قیمت حالیه با قیمت دفعهٔ اول هر چه شد باید شخص مقروض بدهد. تعیین قیمت ثانوی در وقتی خواهد شد که فرع گذشته را داده باشند. و هرگاه کسر قیمت پیدا شد [۱۰۵] صاحب گرو باید آن کسر قیمت را بدهد و به اقتضای قیمت ثانوی گرو به همان وعده و شرایط اول تجدید عمل نماید.

فصل هفدهم:

هرگاه شییء گروی مفقود شود قیمت آن از روی تعیین قیمت به علاوهٔ یک ربع به صاحب گرو داده خواهد شد.

هرگاه اسباب گرو معیوب شود صاحبش حق دارد به اداره واگذار نماید و قیمت آن را از روی تعیین روز اول یا از قرار تعیین دفعهٔ ثانی مثل این که سند تجدید می‌شود مطالبه نماید.

فصل هیجدهم:

برای حراجی شهرهای دیگر، صاحب امتیاز مالیات حالیهٔ حراجی آن شهر را خواهد داد.

این قرارنامه در دو نسخه نوشته شد.

به تاریخ غرهٔ شوال المکرم سنه ۱۳۰۷

۱۳

[۱۰۶] امتیازنامهٔ کالسکه

بندگان اعلیحضرت اقدس ظل اللهی ـ ارواح العالمین فداه ـ به میرزا جواد خان سعدالدوله[1] امتیاز و حق مخصوص مرحمت می‌فرمایند که در شهر دارالخلافهٔ ناصری و حوالی آن کالسکه‌ها[2] و درشکه[های] اربابی و عمومی و امنیبوس سایر عرابه [= ارابه]های عمومی تأسیس و دایر نماید. اعطای این امتیاز مشروط به شرایط ذیل است:

اولاً: صاحب امتیاز حق نخواهد داشت امتیاز خود را به دیگری بفروشد ولی مأذون است با شرکا تشکیل یک کمپانی بدهند. آنها نیز جمیع شرایط این امتیازنامه را باید رعایت کنند.

ثانیاً: صاحب امتیاز متعهد است که از تاریخ امضای این امتیازنامه تا مدت یک سال سیر و حرکت کالسکه‌های مزبور شروع شود. به این معنی که در مدت مسطوره اقلاً سی کالسکه و درشکه و غیرهما شروع به حرکت نمایند و در صورت تخلف، امتیازنامه باطل و صاحب امتیاز، مسلوب الاختیار خواهد بود.

---

۱. میرزا جوادخان سعد الدوله از رجال انقلاب مشروطیت بود. برای اطلاع بر احوال او رجوع شود به شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۲۸۸

۲. س: کالسکه‌های.

ثالثاً: صاحب امتیاز در شهر و حوالی آن هر قدر لازم بداند ابـنیه از قـبیل کـارخـانهٔ کالسکه سازی و کالسکه خانه و طویله و انبار و غیره مشروط بر اینکه قیمت زمین و خرج بنائی کلیةً به عهدهٔ خود او باشد و ابداً تکلیف ضرری به دیوان اعلی ننماید.

[۱۰۷] **رابعاً**: در خانهٔ مزبوره علاوه بر کالسکه‌های عمومی، کالسکه‌های دیگر نـیز ساخته بفروشد تا این صنعت در مملکت ایران تکمیل و رواج پیدا کند.

خامساً: صاحب امتیاز کلاً در تأسیس این عمل و ترتیبات و نظم اداره و وضع اجرای آن آزاد و مختار است مشروط بر اینکه حقوق ذیل را همیشه رعایت کند:

اوّل: برای کالسکه‌چیهای اداره یک نوع لباس مخصوص ترتیب بدهد که اعلیحضرت اقدس ظل اللهی ـ ارواحنا فداه ـ آن انتخاب را قبول و امضا فرموده باشند.

دویم: به کالسکه‌های ادارهٔ مزبوره از یک اسب الی چهار اسب ببندند و زیاده از چهار اسب به یک کالسکه بستن را اجازه نخواهد داشت.

سیم: محض احتیاط و اجتناب از خط، قدغن خواهد کرد کالسکه‌های عمومی را با تاخت حرکت ندهند.

سادساً: بندگان اعلیحضرت اقدس ظلّ اللهی ـ ارواح العالمین فداه ـ اجازه و رخصت مرحمت می‌فرمایند که کالسکه‌های عمومی مزبوره را در هر نقطه و محلّی از مـعابر و میدانهای عمومی که مقتضی بداند وادارد مشروط بر اینکه مایهٔ اشکال عابرین نشود.

[۱۰۸] **سابعاً**: صاحب امتیاز تعهد می‌کند گمرک معمولی کالسکه و اسـباب و آلات متعلّق به این عمل را که از خارجه وارد ایران می‌کند بدهد و دولت علیه، صاحب امتیاز را بجز گمرک مسطوره از مالیات و عوارض هر چه باشد که به تأسیس و دایر ساختن این عمل تعلق یابد معاف می‌فرمایند.

ثامناً: دولت بندگان اعلیحضرت ظلّ اللهی ـ ارواح العالمین فداه ـ قبول می‌فرمایند که در امور راجعه به امتیازنامهٔ حاضره توجه و حمایت و تقویت را مضایقه نفرمایند.

تاسعاً: مدّت اعتبار امتیازنامهٔ حاضره از تاریخ امضای آن تا پنجاه سال شمسی خواهد بود. در ظرف مدّت مزبوره احدی از تبعهٔ داخله و خارجه حق نخواهد داشت از قبیل

مندرجات این امتیازنامه را تأسیس و دایر نماید.

به تاریخ شهر شوال المکرم مطابق پارس‌ئیل
خیریت دلیل ۱۳۰۸ محل صحهٔ مبارک

امتیاز مرحمتی به سعد الدوله تشرف امضای همایونی
موشح و وزارت عظمی ملاحظه شد امین السلطان

[۱۰۹] ضمیمهٔ امتیازنامهٔ کالسکه و درشکه و اُمنیبوس[۱] و سایر عرابه‌های عمومی

چون بر خاطر مقدس همایونی معلوم گردید که مدت مقرر مسطوره در امتیازنامهٔ کالسکه و درشکه و امنیبوس و سایر عرابه‌های عمومی که به تاریخ شهر شوال المکرم سال ۱۳۰۸ به میرزا جوادخان سعد الدوله مرحمت شده برای اجرای مفاد آن غیر کافی است لهذا به موجب این لایحهٔ صریحه شش ماه دیگر بر مدت مقرره در امتیازنامهٔ مسطوره افزودیم که این کار به سهولت اداره شود.

فی تاریخ شهر جمادی الاولی سنة ۱۳۰۸
محل صح مبارک
محل مهر وزارت عظمی

1. omnibus = نوعی کالسکهٔ عمومی.

۱۴

[۱۱۰] امتیازنامهٔ چوب شمشاد

قراردادنامه فی مابین جناب فخامت نصاب امیرالامراء العظام محمد ولی خان نصر السلطنه[1] حکمران استراباد و گرگان ـ دام اجلاله العالی ـ با عالی جاهان، مجدت و نجدت همراهان مسیوکوسس و تیوفیلدکوسس تبعهٔ دولت سنیهٔ روس موافق شرایط ذیل:

شرط اول:

جناب نصرالسلطنه که دویست و پنجاه هزار اصله چوب شمشاد از دیوان همایون اعلی به رسم اجارهٔ پنج ساله گرفته و چهار سال به موعد آن باقی مانده تمام و کمال واگذار به مسیوکوسس و تیوفیلدکوسس نموده که مشارالیها به میل و اختیار گماشتگان و عملجات خودشان چوب شمشاد را بریده حمل نمایند.

شرط دویم:

دیوان همایون اعلی و جناب نصرالسلطنه حق و اجازهٔ بریدن و حمل کردن چوب شمشاد از آستارا الی استراباد را ندارند به احدی بدهند و هیچکس مداخله نباید در این

۱. محمدولی خان نصرالسلطنه متولد ۱۲۶۴ و متوفی در ۱۳۴۵ قمری از رجال چندکارهٔ (!) عصر قاجار است. خوانندگان محترم شرح حال او راکه حاکی از انحطاط اخلاقی گردانندگان مملکت در آن دوره است می‌توانند در شرح حال رجال ایران (ج ۴، ص ۱۷) مطالعه کنند.

عمل کند غیر از گماشتگان مسیوکوسس و مسیو تیوفیلدکوسس.

[۱۱۱] **شرط سیم**:

چنانچه شرطنامهٔ جناب نصر السلطنه بدون اجازه و مهر دولت از برای چوب شمشاد به رعایای داخله و خارجه داده باشد از درجهٔ اعتبار ساقط است. همچنین دولت علیهٔ ایران اگر قرارنامه بغیر از قرارنامه‌های مسیوکوسس و تیوفیلد که به مهر و امضای دولت علیهٔ ایران در دست دارند یا پیش از تاریخ آن داده باشند یا بخواهند بعدها بـه احـدی قرارداد یا شرطنامه در باب چوب شمشاد از آستارا الی استراباد بدهند از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود.

شرط چهارم:

مسیو کوسس و تیوفیلد کوسس متعهد می‌شوند در مدت چهار سال هر ساله مبلغ یازده هزار تومان به عنوان مالیات و گمرک و غیره تـعارفات جـنگلهای مـختص جـناب نصرالسلطنه را تسلیم جناب معظم الیه نمایند. چه امنای دولت علیهٔ ایران و چه جناب نصرالسلطنه و چه دیگران دیناری زیاده از مبلغ فوق الذکر حق مطالبه ندارند.

شرط پنجم:

چنانچه دیگران بخواهند بدون اجازهٔ کوسس و تیوفیلد و گماشتگان آنها چه مخفی و چه آشکارا از جنگلهای آستارا الی استراباد [۱۱۲] چوب شمشاد بریده ببرند چه دیوان همایون اعلی و چه جناب نصر السلطنه چوبها را ضبط و تنبیه و سیاست لازمه به مرتکب نموده هر چه ضرر و خسارت وارد آورده باشند از مرتکب اخذ و به کوسس و تیوفیلد کوسس یا به گماشتگان آنها ایصال دارند. همچنین در این مدت چهار ساله که عملجات مشاراليهما چندی که مشغول بریدن و حمل کردن چوب شمشاد می‌باشند در وقت لزوم چه امنای دولت علیهٔ ایران و چه جناب نصرالسلطنه و چه حکام و رؤسای دیگر هـمه قسم کمک و همراهی لازمه نمایند.

شرط ششم:

قرارنامهٔ حاضره از روز سه شنبه ۲۰ ربیع الاول پارس ئیل ۱۳۰۸ مطابق ۲۳ اکتابر ماه

روسی ۱۸۹۰ تا مدت چهار سال متوالی در درجهٔ اعتبار خواهد بود.

محل امضا کوسس

این قرارنامه و شروط آن صحیح و ممضی است در صورتی که حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف افخم آقای امین السلطان وزیر اعظم دولت علیهٔ ایران امضا و مهر فرموده باشند. به تاریخ فوق ۱۳۰۸

نصرالسلطنه

این قرارنامه ملاحظه شد و از عرض خاکپای مبارک گذشت و اجازه فرمودند که امضا شود. لهذا امضا شد و صحیح است.

امین السلطان

۱۵

[۱۱۳] امتیازنامهٔ بیمهٔ حمل و نقل

تأسیس ادارهٔ بیمهٔ حمل و نقل در مملکت ایران:

چون همواره منظور نظر همایونی، ترتیب اسباب آسودگی و امنیت و تهیهٔ شرایط ضمانت و آسایش و راحت، و بناهای خیر و اصلاحات مفیده به جهت آحاد و افراد رعایای خود و حفظ آنها از آفات و بلیات وارده از حریق یا خسارات زراعتی که به واسطهٔ تگرگ حاصل شوند و یا مرگ و میر دواب و چهارپایان در شهرها و قصبات و قراء محروسهٔ ایران [است]، و نیز چون همیشه مترصد و مصمم آن بوده و هستیم که به هر یک از رعایای خود حتی آنهائی که نه دارای ملک و نه مایهٔ بضاعت هستند بخواهند در صورت عارضهٔ بدنی و عجز از کار، از گذران مالیه و معاش آتیهٔ خود اطمینان حاصل کنند یا از معاش و مؤونهٔ ایام پیری خود یا از گذران بازماندگان که پس از او بتوانند آبرومندانه زندگی نمایند اطمینان حاصل کنند وسیله‌ای [را] که ضمانت فقرات مزبوره را نماید تدارک فرمائیم، به همچنین محض تسهیل لوازم حفظ تجارت در داخله و یا خارجه [۱۱۴] از همه قسم خسارات و مخاطرات که درحمل و نقل و ارسال و مرسول و یا در حمل و انبار بر مال‌التجاره وارد می‌شوند لازم و متحتم شمردیم که یک ادارهٔ بیمهٔ حمل

و نقل در ممالک خود تأسیس و برقرار فرمائیم.

علی هذا نظر به همین مقصود به موجب امتیازنامهٔ حاضره به لازار پولیاکوف عضو حالیهٔ شورای دولتی و رئیس ادارهٔ شرکت مروج تجارت و صناعت در ایران، امتیاز و حق مخصوص مرحمت می‌فرمائیم که برای اجرائیات سابق الذکر در ممالک ما دایرهٔ بیمهٔ حمل و نقلی احداث نماید که موافق شروط مفصلة الذیل معمول و مجری گردد:

فصل اول:

اعمال مزبورهٔ فوق در تمام قطعات مملکت ایران از روز امضای امتیازنامهٔ حاضر تا مدت هفتاد و پنج سال معمول و متداول خواهد بود. در عرض مدت مزبوره بغیر از صاحب امتیاز یا کمپانی یا شرکتی که صاحب امتیاز تشکیل خواهد داد [۱۱۵] احدی حق نخواهد داشت که در حدود ممالک ما در اعمال راجعه به بیمه دخالت نماید. و همچنین احدی حق نخواهد داشت که وجهاً من الوجوه به هر اسم و رسمی که باشد ادارهٔ حمل و نقلی تأسیس و احداث نماید ولیکن بدیهی است هرکسی حق داشته و می‌تواند بدون تأسیس اداره و دفتر، هر قسم حمل و نقلی را در مملکت ایران بنماید. بدون اندازه وجه معیّن. و نیز ادارهٔ پست دولتی هم حق دارد که هر اندازه بتواند حمل ونقل امانات بنماید.

توضیح آنکه چاروادار و شتردار و گاری‌دارها و غیره که حالا معمول و متداول است مشغول حمل و نقل هستند به هیچ‌وجه من الوجوه ممنوع از کارشان نخواهند شد.

فصل دویم:

این اداره موسوم به «ادارهٔ بیمه و نقلیات» بوده و دارای مهر مخصوص خواهد بود که مختص کارهای خود او باشد وجمیع اسناد و نوشتجات و قبوض و مرسولات و غیره و غیره که از ادارهٔ مرکزیه یا شعبات آن صادر می‌شود ممهور بدان خواهد بود.

فصل سیم:

محل ادارهٔ مرکزیه در دارالخلافهٔ ناصری طهران خواهد بود ولی در جمیع شهرها و

نقاط دیگر [۱۱۶] از مملکت ایران که ادارهٔ مزبوره صلاح و لازم شمارد شعبات برقرار خواهد نمود.

فصل چهارم:

دوایر دولتی و عمّال و مباشرین مملکت ایران مکلّف هستند که در جمیع اظهارات و دواعی راجعه به امور متعلقه به امتیازنامهٔ حاضره از ادارهٔ مرکزیه و اجزای آن ـ چه دردارالخلافه و چه در سایر ولایات ـ حمایت و اعانت نمایند.

فصل پنجم:

ادارهٔ بیمه و نقلیات حق خواهد داشت که در جمیع بلاد و قراء و نقاط ممالک محروسهٔ ایران از قرار تفصیل ذیل بیمه و تضمّن نماید:

اولاً: هر قسم اموال و مخلفات و املاک را از خسارات و ضرر و خرابی که از حریق یا به واسطهٔ سوء استعمال اسباب در حریق و یا به واسطهٔ دربردن اثاث البیت در صورتی که بیمه شده باشند ضمانت خواهد نمود.

ثانیاً: محصولات زراعتی را از خساراتی که به واسطهٔ تگرگ حاصل می‌شود.

[۱۱۷] ثالثاً: هر نوع حیوانات را از مرگ و میر.

رابعاً: مال التجاره و بارهای کشتی و امانات و عموماً هر قسم محمولات و اشیاء گرانبها و کشتی بخاری و کشتی باری و کرجی و قایقهائی که بار داشته یا خالی باشند و واگن و مسافرین کشتی و کرایه خواه در کشتی یا در خشکی بوده باشد و غیره را بیمه خواهد کرد از هر قسم خسارات و خطر که هنگام نقل به خشکی یا به دریا یا به دریاچه یا به رودخانه یا به نهرهای طبیعی و یا به نهرهای مصنوعی وارد آیند.

خامساً: سرمایه‌ها و منافع آنها را که بعد از انقضای مدتی که در کنترات ادارهٔ بیمه معین شده باشد به صاحب تنخواه یا به وارث او کارسازی خواهد شد.

سادساً: مسافرین بیمه شده را از هر قسم حوادث و مخاطرات که در عرض راه اتفاق بیفتد.

فصل ششم:

ادارهٔ بیمه و نقلیات هر نوع مال التجاره و بارهای کشتی و اشیاء سنگین [۱۱۸]و سایر اشیاء را خواه به واسطهٔ راههای آهن بخار یا راههای شوسه یا سایر راههای برّ و بحر در داخل ایران و همچنین مال التجاره و اجناس و غیره که از ممالک محروسهٔ ایران به خارجه فرستاده می‌شود حمل و نقل خواهد داد.

فصل هفتم:

شرایطی که در جمیع انواع بیمه و نقلیات فوق الذکر باید رعایت شوند از قبیل قدر و مبلغ و شرایط ادای وجه به توسط مشتریها و شرایط غرامت دادن اداره به مشتریان و غیره بسته به قراردادی خواهد بود که مشتریان با کمال رضایت به اداره داده‌اند و شرایط مزبوره جمعاً به طور واضح و مفصل در آن قبضی که ادارهٔ مرکزی یا شعبات آن به مشتریان خواهد داد مندرج خواهد شد. و قبوض مزبوره دارای یک کنترات صریحی خواهند بود که مابین اداره و مشتریان منعقد شده باشد.

فصل هشتم:

همچنین نظر به فواید عامه که در ایجاد این اداره برای مملکت خواهد داشت [۱۱۹] و محض آنکه تمام رعایای ما با خرج قلیل بتوانند از فواید سابق الذکر آن اداره بهره‌مند و مستفیض گردند جمیع عملیات و معاملات و تمامی اسناد و نوشتجات متعلقه به ادارهٔ مرکزی و شعب و فروعات آن و انبارها و آنچه تعلق به آنها دارد و نیز خود دفترخانه‌ها و اشخاصی که در آنها مشغول خدمت هستند در طول مدت این امتیازنامه از جمیع حقوق دیوانی از قبیل مالیات و راهداری و حقوق نقدیه و غیره ـ خواه از حقوقی باشند که اکنون متداول و معمول هستند یا حقوقی که در آتیه یعنی در مدت طول این امتیازنامه ـ برقرار خواهد شد به هر اسم و رسم که باشد معاف خواهند بود. و نیز اشیائی که برای ادارهٔ بیمه و نقلیات لازم خواهند شد از قبیل ملزومات و اثاث البیت و دفاتر و سایر ملزوم و شعبات آن و اشیاء باربندی از قبیل مشمع و غیره و منگنه و آلات بارکردن محمولات و سایر آلاتی که در انبار گذاشته خواهد شد و تلمبه جهت خاموشی حریق و

غیره از جمیع حقوق گمرک و راهداری و مالیات و غیره معاف خواهد بود [۱۲۰] ولی ادارهٔ گمرک حق رسیدگی به این بارها را دارد که اگر چیزی غیر از اشیاء فوق باشد و مال التجاره داخل باشد گمرک دریافت کند.

توضیح آن که اشخاصی که نوشته شده است درادارهجات بیمه و نقلیات مشغول کار هستند اگر خارجه هستند که البته معاف خواهند بود ولی اگر رعیت داخله باشند اگر آن شخص یا اشخاص مالیات بده نباشند که مسلم است مالیاتی بر آنها بسته نخواهد شد ولی اگر مالیات بده به دیوان باشند از مالیات ملکی یا مالی یا سرشماری و امثال آن واضح است که باید کماکان ادا کند و معاف نخواهد شد.

فصل دهم:

در مقابل معافیت مزبور صاحب امتیاز باید در ده سالهٔ اول به کار هر ساله سیصد تومان و در ده سال ثانی سالی پانصد تومان و در سنوات بعد تا موعد انقضای مدت امتیازنامهٔ حاضره سالی یک هزار تومان به خزانهٔ دولت علیه بپردازد.

فصل یازدهم:

صاحب این امتیاز حق دارد که یک شرکت مخصوص تشکیل بدهد که هر یک قسمتی از سرمایه را بگذارند یا یک شرکت اسهامی تأسیس نماید و در صورت اخیره حق خواهد داشت که... اسناد دیگر که صلاح بداند صادر کند. بدیهی است دولت علیهٔ ایران ضمانت این اسناد را نخواهد نمود.

فصل دوازدهم:

هرگاه در عرض مدت سه سال از تاریخ صحهٔ این قرارنامه [۱۲۱] صاحب امتیاز شروع به تأسیس بنای فوق الذکر ننمود امتیازنامهٔ حاضره به کلی از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود.

این قرارنامه به تاریخ غرهٔ شهر جمادی الاول ۱۳۰۸ پارس‌ئیل در طهران نسختین نوشته [و] مبادله شد.

۱۶

[۱۲۲]امتیازنامهٔ کاغذ سازی

محض انتشار و ترویج صنعت کاغذ سازی در دارالخلافهٔ طهران و سایر ممالک محروسهٔ ایران، این غلام با کمال ضراعت و خاکساری از خاکپای فلک فرسای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ استدعای امتیاز آن را برای خود و وارث خود می‌نماید به شرایط معروضهٔ ذیل که کمپانی تشکیل داده این مقصود مهم را انجام دهد و این صنعت عمدهٔ مفیده را در کل ممالک محروسهٔ ایران منتشر سازد، و در این کارخانه انواع و اقسام کاغذ که محل حاجت و ضرورت باشد به عمل خواهد آمد از قبیل کاغذ و پاکت تحریر به وجه احسن به طوری که از فرنگستان به ایران می‌آورند و همچنین کاغذ اطاق به نحو اتم و اکمل و کاغذ مقوا و غیره و غیره.

اولاً: کسان خانه‌زاد مجاز باشند در هر جائی که صلاح بدانند کارخانجات را در آن نقطه بنا و احداث نمایند چنانچه در آن نقاط معینه، اراضی بایرهٔ غیر مزروع بی‌مصرف باشد که تعلق به دولت داشته باشد [۱۲۳] استدعا می‌نماید که به قدر کفاف کارخانجات و ضروریات آن را مجاناً مرحمت فرمایند.

ثانیاً: آنچه که متعلق به این کارخانهٔ کاغذسازی است از هر گونه صوادر و عوارض و

مالیات و گمرک به هر اسم و رسم معاف و مسلّم باشد تا در سایهٔ همایونی این صنعت بزرگ در ممالک محروسه به سهولت رواج پیدا کند و هرگونه اخشاب و چوب‌آلات که برای این کارخانه لازم می‌شود اجازه مرحمت فرمایند که از جنگلهای دولت بریده به مصرف ادوات کارخانه برسانند و از برای لوازم این کار هر قدر خانه و انبار و مایحتاج لازم باشد اجازه مرحمت خواهند فرمود ساخته شود یا اجاره کند.

ثالثاً: استدعا از خاکپای مبارک همایونی این است که محض تشویق و ترویج این صنعت در ایران این اداره مظهر توجهات خاصهٔ ملوکانه بوده و انواع کاغذ و پاکت که برای صرف تحریر دولتی و وزارتخانه‌های دولت و همچنین از کاغذ و مقوا و غیره که مربوط به این کارخانه است و در سال از برای دولت لازم می‌شود حتماً باید از این کارخانه ابتیاع فرمایند. و در باب قیمت هم قبل از وقت کارگزاران امور دیوانی با مباشرین کارخانه مذاکره خواهند کرد [۱۲۴]که در تسهیل قیمت و سرعت رساندن آنها قرارهائی را که لازم است بدهند.

رابعاً: بقای این امتیاز از روز امضای این قرارنامه الی پنجاه سال خواهد بود و ضمناً مقرّر خواهد شد که در امتداد این مدّت پنجاه سال احدی از خارجه و داخله به هیچ وجه من الوجوه حق ایجاد و احداث هیچ‌گونه کارخانه که مربوط به عمل کاغذ [است] نداشته باشند و تمام این مدت باکسان خانه‌زاد و وارث خانه‌زاد خواهد بود.

خامساً: پس از آنکه کارخانه دایر شد و حاصل آن به معرض فروش درآمد از منافعی که حاصل می‌شود از یک‌صد تومان دو تومان و پنج هزار به اسم مالیات همه ساله به دیوان همایون اعلی تقدیم خواهد شد. این دو تومان و نیم بعد از وضع مخارج و تنزیل پول کارخانه از منافعی که عاید می‌شود تقدیم خواهد شد.

سادساً: شروع به ساختن این کارخانجات سه سال بعد از امضای همایونی خواهد شد، چنانچه در ظرف این سه سال از قضای آسمانی حادثه‌ای روی نداد که اسباب تعویق ساختن کارخانجات بشود، البته آن سبب در حضور اولیای دولت ملاحظه و منظور خواهد شد.

سابعاً: این غلام خانه‌زاد که دارای این امتیاز است حق ندارد این امتیاز را به احدی از داخله و خارجه انتقال بدهد لیکن مجاز خواهد بود که کمپانی برای تشکیل این کارخانه از خارجه یا داخله تحصیل نماید که در سایهٔ همایونی دایر و مرتب شود.

فی ۱۷ جمادی الاولی سنة ۱۳۰۸

ان شاء الله تعالی این قرارنامه را بدون کم و زیاد مجری خواهد کرد.

۱۸ جمادی الاولی

محل مهر مشیرالدوله یحیی خان



[۱۲۶] امتیازنامهٔ گچ و آهک و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز

چون ارادهٔ قدسیهٔ بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاه کل ممالک محروسهٔ ایران ـ ارواح العالمین فداه ـ تعلق یافته بود که معادن گچ و آهک و سنگ‌تراش و مرمر و سنگ آردواز در ممالک خودشان شیوع و انتشار به هم رساند و دایر گردد به مسیو ادوارد دتی مهندس و رعیت بلژیک و وارث و صاحبان حقوق او امتیاز و حق مخصوص اعطا می‌فرمائیم که معادن سنگ آهک و گچ و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز (سنگ شقر) که در اطراف شهر دارالخلافهٔ ناصری الی سی و پنج کیلومتر (یعنی سی و پنج هزار متر) واقع هستند کار کرده و دایر نموده و گچ و آهک و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز در طهران و حول و حوش آن فروخته و مصالح مزبور را با راههای آهنی یا به واسطهٔ بخار یا به طور دیگر در همین محوطهٔ سی و پنج کیلومتر حمل و نقل دهد که موافق شرایط مذکوره در فصل پنجم در جاده‌های آهنی باشد ولی معادنی که به اشخاص متفرقه تعلق داشته و فعلاً دایر باشد می‌توانند به قرار سابق [۱۲۷] چنان‌که در فصل ششم نیز اشاره شده است در دست صاحبان آنها باشد.

فصل اول:

صاحب امتیاز مختار است که امتیاز خود را با تمام اختیارات و تکالیف خود به اشخاص و کمپانیهای دیگر واگذار نماید و همچنین اختیار دارد که خود تشکیل یک کمپانی برای کار انداختن امتیاز بدهد.

فصل دویم:

صاحب امتیاز متعهد می‌شود که جهت آوردن آهک و گچ و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز به داخل شهر از قرارذیل مالیات بدهد:

اولاً: بابت آهک و گچ، مالیات جنس موافق معمول حالیه که عبارت از ده یک باشد که سایر کوره‌پزها به دیوان اعلی می‌پردازند.

ثانیاً: به جهت سنگ تراش و مرمر مالیات نقدی یعنی از سنگ تراش یا مرمر که پارچه‌های آن از نیم مترمکعب تجاوز نکند مبلغ پانصد دینار [۱۲۸] از قرار هر یک مترمکعب و از سنگ تراش یا مرمر که پارچهٔ آن از نیم مترمکعب تجاوز کرده و از یک مترمکعب زیاد نباشد مبلغ یکهزار دینار برای هر یک مترمکعب و از سنگ تراش یا مرمر که پارچهٔ آن از یک متر مکعب بزرگتر بوده باشد مبلغ دو هزار دینار از قرار هر یک مترمکعب.

ثالثاً: به جهت هر یک خروار سنگ آردواز مبلغ پانصد دینار مالیات مسطوره در فوق به تفصیل ذیل ادا خواهد شد: اولاً: درباب ادای مالیات نقدی از جانب دولت علیه مأموری با خرج و مواجب دولت مشخص خواهد گردید که در طهران در انباری که مصالح مزبور وارد می‌شوند حاضر شده به اتفاق گماشتهٔ صاحب امتیاز، ثبت سنگهای تراش و مرمر و آردواز (سنگ شقر) که وارد می‌شود بردارد. در ده روز آخر هر ماه ایرانی صاحب امتیاز می‌باید مالیات سنگهای تراش و مرمر و آردواز [را که] در مدت ده روز آخر ماه گذشته و بیست روز اول ماه حاضر [فروخته] به دولت علیه بپردازد. در باب ادای مالیات جنس یعنی ازگچ و آهک، دولت علیه حقوق خود را در سر کوره‌های صاحب امتیاز به اندازه و میزان مذکوره دریافت خواهد نمود.

[۱۲۹] **فصل سیم:**

صاحب امتیاز می‌تواند آهک را خرواری یک تومان و گچ را خرواری پنج هزار دینار به فروش برساند و در ارزانتر فروختن مختار است. و نیز در صورت لزوم می‌تواند قیمتهای مزبوره را از قرار ده نیم زیاد کند و چون باید امکان ترقی قیمت اجرت عمله و مأکولات و اسباب و ادوات و سوخت و سایر لوازم زندگانی و غیره را ملاحظه نمود لهذا صاحب امتیاز هم می‌تواند در صورت این گونه ترقیات بر قیمت آهک و گچ به نسبت و میزان ترقیات مزبوره بیفزاید. ولی اگر قیمت این آهک و گچ به نظر دولت علیهٔ ایران بی‌قاعده و اغراق بیاید حق دارد تشکیل کمیسیونی بدهد که منتهای قیمت سه سالهٔ آنها را تعیین نماید. ترقی اجرت کارگر و مأکولات و حبوبات و غیره را کمیسیون مزبور می‌باید در تعیین آنها منتهای قیمت را منظور دارد.

در هر صورت طوری باشد که صاحب امتیاز همیشه بتواند اقلاً صدی پانزده منفعت خلص از سرمایهٔ اکسیون[1] و قبوضات خود بردارد و کمیسیون مزبور از دو نفر اجزاء از جانب دولت علیهٔ ایران و دو نفر و کلای صاحب امتیاز مرکب خواهد شد.

[۱۳۰] صاحب امتیاز آزاد است که هر وقت بخواهد مصالح خود را ارزانتر بفروشد. مشتریها می‌توانند حمل و نقل مصالحی را که از صاحب امتیاز خریده‌اند یا خودشان بدهند و یا آنکه در این خصوص با مشارالیه قراری بگذارند که صاحب امتیاز حمل نماید. و اگر مشتریها گچ و آهک مخصوص بخواهند که مثلاً کوبیده و یا سرند کرده باشد در قیمت خرید آنها با صاحب امتیاز کنار بیایند.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز در ترتیب دایر نمودن معادن و فروش مصالح مزبوره مختار خواهد بود و هر نوع کوره و آلات و ادوات و چرخها و اسباب حمل و نقل و جاده‌های آهنی و غیره را که برای این کار مقتضی و مفید شمارد استعمال و احداث نماید. و نیز می‌تواند اراضی و معادن و ابنیه‌ای را که لازم دارد خریده یا اجاره نماید. کلیهٔ عملیات خود را به

1. Action = فعالیت، عمل.

صلاحدید خود ترتیب خواهد داد و جهت تشکیل و دایر نمودن جاده‌های آهنی صاحب امتیاز موافق فصل پنجم رفتار نماید.

همچنین صاحب امتیاز در فروش مصالح خود مختار است ولی شرایط فصل سیم این امتیازنامه را نیز در خصوص قیمت منظور دارد. کمیسیون مذکور در فصل سیم این امتیازنامه اگر آرای اجزای آن مختلف باشد منحصر به قرارداد یک شخص خواهد شد [۱۳۱]که از یکی از سفارتخانه‌ها منتخب گردد.

هرگاه راههای آهنی از اراضی بایر متعلق به دولت بگذرد دولت علیه از اراضی مزبوره به عرض پانزده ذرع به صاحب امتیاز مجاناً مرحمت می‌فرمایند. و نیز دولت علیه اراضی بایری را که در اطراف معادن مزبوره واقع هستند به جهت کارگذاشتن آلات و ادوات و چرخها و بنای ابنیه و زراعت و غیره و غیره مجاناً به صاحب امتیاز واگذار می‌فرمایند.

فصل پنجم:

صاحب امتیاز اکنون مختار است که یک جادهٔ آهنی با شعبات آن جهت کار انداختن معادن ساخته و دایرنماید. نقطهٔ حرکت این جادهٔ آهنی، خواه ازگار[1] طهران، خواه ازگار حضرت عبدالعظیم، خواه از جنب آنها و خواه از یک نقطهٔ خط طهران و حضرت عبدالعظیم ابتدا خواهد شد و تعیین آن نقطهٔ حرکت فقط در اختیار صاحب امتیاز است. جادهٔ آهنی مذکوره به سمت معادن آهک و سنگ تراش واقعه در میان منار ذوالقرنین و قبرستان گبرها و به سوی معادن گچ واقعه در آن طرف قبرستان، نزدیک راه مشهد مقدس کشیده خواهد شد. طرح [۱۳۲] تشکیل جادهٔ عمده مطلقاً در اختیار صاحب امتیاز است ولی دو شرط مفصلة الذیل باید منظور و ملحوظ باشد:

اولاً: طول این جاده بیشتر از بیست کیلومتر نباشد.

ثانیاً: جادهٔ مذکوره از حدود سی و پنج کیلومتر گرفته از ابتدای خندقهای دور شهر تردد و به این جاده شعبات دیگر هم می‌توان متصل نمود. در تعیین کردن نقاط اتصال و

1. Gar = ایستگاه قطار راه آهن.

محل امتداد و نقاط و غیره آنها و اعداد و طول شعبات، صاحب امتیاز مطلقاً مختار است ولی دو شرط ذیل هم باید منظور و ملحوظ شود:

اولاً: جمیع طول تمام شعبات باید از سی کیلومتر تجاوز نکند.

ثانیاً: شعبات مذکوره از حدود سی و پنج کیلومتر از ابتدای خندقهای دور شهر خارج نرود چنانکه جادهٔ عمده نیز به این یکی محدود است. در صورت کارکردن در یک معدنی و یا اینکه به لحاظ دیگر اگر صاحب امتیاز لازم شمارد که یکی یا چندی را از خطوط برداشته و جای دیگر تشکیل بدهد که در یک معدن دیگر کار کند مختار و آزاد است و آن وقت خطوط جدیده نیز باید [۱۳۳] از حدود معینه در همین فصل خارج نرود. ولی چون این خطوط جدیده عوض همان خطوط سابق است لهذا به هیچوجه طول آنها در جمع طول معین تمام خطوط که صاحب امتیاز قبول کرده حساب نخواهد شد.

صاحب امتیاز مختار است که در جادهٔ عمدهٔ آهنی و یا در شعبات آن به هر قسمی که بخواهد یا به واسطهٔ بخار یا به فن میخانیک [= مکانیک] و یا به قوت اسب و غیره و غیره اسباب حرکت و حمل و نقل را فراهم خواهد آورد. در جمله منتهی جمع شعبات که سی کیلومتر باشد شعبات دیگر آنها [را] پلان بکشند و شعباتی که به واسطهٔ قوت آدم یا حیوان باطناب و غیره در حرکت است حساب نخواهد شد ولی این راه نیز چنانچه جادهٔ عمده و شعبات آن از حدود سی و پنج کیلومتر در اطراف طهران خارج نخواهد شد در صورتی که یک خط بخاری یا دیگری در میان قراء شمیران به کار بیاید آن وقت صاحب امتیاز اختیار خواهد داشت که به آن خط شعبات دیگر متصل نماید که معادن گچ و آهک و سنگ تراش و مرمر و سنگ آردواز دایر نماید.

در خصوص جمع طولها و در باب حدود [۱۳۴] آنها هم متضمن همان شرایط می‌باشند که برای شعبات مذکوره در فوق ذکر شده است که آنها را می‌توان به قوهٔ بخار یا به طور دیگر به کار انداخت. عرض تمام راههای مذکوره در این فصل تنگ خواهد شد مانند راه‌آهن حاضرهٔ حضرت عبدالعظیم و بلکه تنگتر. خطوط مذکوره را نباید جهت مسافرین ساخت و واگونها که مخصوص مسافرین است در آن خطوط کار نخواهد کرد

بلکه خطوط مذکوره می‌باید فقط جهت حمل و نقل محصولات معادن و حبوبات و اشیائی که صاحب امتیاز از محصولات معادن درست نماید تشکیل یابد. صاحب امتیاز می‌تواند همچنین به واسطهٔ این راههای آهن آنچه لازم و نافع کار خودش است حمل نماید.

صاحب امتیاز می‌تواند با شرکت آنونیم راه‌آهن بخار و اسبی در ایران در خصوص تشکیل و دایر نمودن جاده‌های آهنی مذکوره در همین فصل کنار بیاید.

فصل ششم:

معادن سنگ تراش و مرمر و آهک و سنگ آردواز که در حدود مذکورهٔ فوق واقع و هنوز کار نشده باشند ملک مخصوص صاحب امتیاز خواهند بود که تنها خود او حق دایر کردن آنها را خواهد داشت.

[۱۳۵] همچنین معادن محصولات مزبوره که فعلاً دایر و تعلق به دولت علیه دارد ملک مخصوص صاحب امتیاز گردیده و حق مطلق خواهد داشت که در آنها کار کند. معادنی که اکنون دایر و مال اشخاص متفرقه هستند صاحبان آنها حق دارند کما فی السابق در آنجاها در مسافت غیر محدود که قرار باشد کار کنند ولی به شرطی که فقط خود صاحبان آن معادن از همانجا که فعلاً مشغول کار بودند به مرور پیش بروند و نیز می‌توانند محصولات آنها را پخته و به فروش برسانند ولی این استثنا تنها مخصوص محصولات معادنی است که فعلاً دایر و متعلق به اشخاص متفرقه می‌باشد و محض طی دعاوی و گفتگوهای آتیه صورت و اسامی معادنی که از این استثناء بهره‌مند خواهند شد به نحوی که در این فصل مندرج شده است ضمیمهٔ این امتیازنامه خواهد گردید.

هر چه در امتیازنامهٔ حاضره ذکر شده در خصوص استثناء در منفعت معادنی که فعلاً دایر و متعلق به اشخاص متفرقه است فقط در حدود سی و پنج کیلومتر از ابتدای خندقهای دور شهر می‌باشد. در خارج این حدود همه کس اختیار دارد که بی‌اختبار مشغول دایر نمودن معادن سنگ تراش و آهک و گچ و مرمر و آردواز باشد.

[۱۳۶] **فصل هفتم:**

بغیر از رؤسا و مباشرین و کارگرهای مخصوص، صاحب امتیاز حتی الامکان از رعایای دولت علیهٔ ایران عمله و کارگر خواهد گرفت.

فصل هشتم:

صاحب امتیاز از جمیع حقوق و مالیات و مال الاجاره و راهداری و غیره که بر بنّائیات و دایر نمودن یا به منافع محصول معادن مزبوره راجع باشد معاف خواهد بود به استثنای شروطی که در فصل دویم این امتیازنامه نوشته شده است.

فصل نهم:

دولت علیهٔ ایران قبول می‌فرمایند که در پیشرفت و اجرای این امتیازنامه حمایت و تقویت خود را مضایقه نفرمایند و در صورت ظهور گفتگو و نزاع با مالکین معادن و اراضی، دولت علیه حکومت عادلانه خواهند فرمود.

فصل دهم:

مدت طول این امتیازنامه از روز امضای آن الی پنجاه سال شمسی خواهد بود [۱۳۷] و در تمام مدت مذکوره احدی جز صاحب امتیاز حق عملیات حقوقی که به موجب این امتیازنامه به صاحب امتیاز داده شده است ندارد.

فصل یازدهم:

صاحب امتیاز می‌باید که در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه شروع به کار نماید ولی در صورت اتفاقات قضائی که باعث تأخیر در عملیات بشود ـ از قبیل امراض مسریه ـ مدت مزبوره بالاستحقاق به اندازهٔ طول آن واقعه امتداد خواهد یافت.

فصل دوازدهم:

این امتیازنامه که به زبان فرانسه و ایرانی نوشته شده است به امضای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ـ ارواحنا فداه ـ مزین و موشح خواهد شد و خط فارسی در این قرارنامه معتبر و مستند طرفین خواهد بود.

در دارالخلافهٔ طهران مورخهٔ ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۰۸ هجری مطابق ۳ ژانویهٔ سنهٔ ۱۸۹۰ نسختین نوشته شده مبادله گردید.



[۱۳۸] امتیازنامهٔ راه آهن دکویل [1]

امتیاز یک رشته راه‌آهن نوع دکویل از طهران الی معادن فشند که تمام طول خط آن تجاوز از هشتاد کیلومتر نکند.

فصل اول:

دولت علیهٔ ایران اجازه می‌دهد به مسیو فابیوس بواطال[2] مهندس تبعهٔ دولت فرانسه که یک رشته راه‌آهن نوع دکویل وضع و دایر نماید برای معادن فشند که ملک سوسیت[3] ذغال ایران می‌باشد. این راه‌آهن مجاز است که تمام محصولات کارخانجاتی را که مسیو بواطال در بین حصارک و ینگی امام احداث خواهد کرد حمل و نقل نماید. به علاوه محصولات اطراف فشند را از قبیل کاه و جو و گندم و یونجه و بوته و انگور و انواع میوه‌جات و سبزی آلات، ایضاً چوب و سنگ و سایر مصالح بنائی.

---

1. De Cuillere = ساختن ریلها قدری پهن‌تر از معمول.

2. fabius-Boital.

3. societ = شرکت.

فصل دویم:

صاحب امتیاز باید بر روی رودخانهٔ کرج و کردان فشند پلهای مخصوص [۱۳۹] برای راه‌آهن بسازد و باید در تمام طول راه‌آهن مانع جریان آبها نشود.

فصل سیم:

تمام این کارها را صاحب امتیاز با مخارج خود خواهد کرد.

فصل چهارم:

تمام این کارها باید در نه ماه بعد از امضای این امتیازنامه شروع شوند.

فصل پنجم:

ریلهای راه‌آهن خط مزبور در بعضی نقاط ممکن است در پهلوی راه کشیده شوند بدون این که مانع عبور و مرور گردند.

فصل ششم:

در هر کجا خط راه از اراضی بایره بگذرد مسیو بواطال خواهد توانست به قدر کفایت راه آهن از آن اراضی بگیرد ولی اراضی‌ای که در آن کشت و زرع می‌شود مسیو بواطال باید صاحبان اراضی را راضی کند و دولت علیهٔ ایران در خرید آن [۱۴۰] اراضی توجه لازمه برای رفع اشکالات که رخ دهند خواهد نمود.

فصل هفتم:

آلات و ادوات لازمه را که از خارج حمل می‌شود از حقوق گمرک معاف خواهد بود.

فصل هشتم:

طول مدت این امتیاز مدت شصت سال است. در انقضای این مدت، خود راه‌آهن و ادوات دایر داشتن آن، ملک دولت علیهٔ ایران خواهد شد.

فصل نهم:

مسیو بواطال مجاز است یک یا چند شریک برای خود قرار بدهد و یا برای اجرای

این امتیاز سوسیته تشکیل بدهد که خودش مدیر آن باشد. در هر صورت بدون اجازهٔ دولت علیه نمی‌تواند حقوق خود را به سوسیته واگذار نماید.

فصل دهم:

هر اختلافی که رخ دهد به واسطهٔ محاکمه قطع خواهد شد و در صورت عدم [۱۴۱] اصلاح، دولت علیهٔ ایران و صاحب امتیاز به جهت حکمیت یکی یا بیشتر از اجزای سفارتخانه‌های آلمانی، امریک، اطریش یا ایطالیا را انتخاب خواهند کرد.

به تاریخ شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۳۰۸ مطابق ژانویهٔ سنهٔ ۱۸۹۱ مسیحی در طهران به دو نسخهٔ مساوی این قرارنامه مبادله شد.

[۱۴۲] فرمان همایونی در باب اسب‌دوانی

نظر به ترویج و ترقی جنس اسب درممالک محروسهٔ ایران و تشویق اهالی مملکت به تربیت اسبهائی که در سواری تاخت و تاز و عراده و کالسکه و غیره به کار ضرور است در این تاریخ فرخنده اجازهٔ تامه فرمودیم که در دارالخلافهٔ طهران تشکیل یک شرکت خاصه داده لوازم اسب‌دوانی و نمایش انواع اسبها را چنانکه معمول به ممالک است بدهد. شرکت مزبوره در تحت حمایت خاصهٔ اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی است. از این سال الی سی سال شمسی امتیاز انحصار به اسب‌دوانی دارد. و در تمام این مدت به اسناد و ابنیه و متعلقات آن هیچ حقوق و منال دیوانی گذاشته نمی‌شود و از جانب سنی الجوانب همایون مایک قطعه زمین واقعه درکنار خندق محدود به حدود مشروحهٔ ذیل به ملکیت...[1] مرحمت و واگذار می‌شود [۱۴۳] که میدان اسب‌دوانی و غرفات معبر مردانه و زنانه و امکنهٔ لازمه برای عموم تماشاچیان و اصطبل و باغچه و قهوه‌خانه و مهمانخانه بنانماید.

---

۱. در نسخه سفید است.

حد شمالی: حریم خیابان مشجر عشرت آباد.

حد جنوبی: خندق طهران

حد شرقی: خیابان غیر مشجر عشرت آباد که به دروازه شمیران می‌رود.

حد غربی: خیابان مشجر شمیران.

همچنین به عهدهٔ...[1] که یک غرفه و کاخ مخصوص سلطنتی برای قدوم همایون ما بنا نماید!و در موسم و ایام اسب‌دوانی خاصهٔ وجود مسعود همایون باشد. مقرر آنکه شرح مرحمت نشان همایون را دردفاتر خلود دوام دولت ثبت نموده از شوایب تحریف مصون بماند و در عهده شناسد.

شهر جمادی الثانی پارس‌ئیل ۱۳۰۸

۱. در نسخه سفید است.

۱۹

[۱۴۴] امتیازنامهٔ راه فی مابین تبریز و دارالخلافه

قرارنامهٔ امتیاز راه فی مابین تبریز و دارالخلافه و شعبات و احداث ادارهٔ حمل مال التجاره و مسافرین به توسط عراده و جهاز[۱] از قرار فصول ذیل است:

فصل اول:

اولیای دولت علیه این امتیاز را برای شصت سال از تاریخ صدور فرمان مرحمت خواهند فرمود و صاحب امتیاز حق خواهد داشت که راه فی مابین تبریز و دارالخلافه و جلفا و سرحد روس و بایزید در سر حد عثمانی و از تبریز به بروجرد و از راه کردستان و همدان بسازد. و حق خواهد داشت که در هر نقطه و مکانی که لازم باشد کاروانسرا و خانه برای سکونت عملجات و انبار و اصطبل و لوازمات دیگر از قبیل کارخانجات نجاری و حدادی و غیره که برای ادارهٔ این راه ضرورت داشته باشد بسازد. و نیز حق خواهد داشت که حمل و نقل مال التجاره و مسافرین را به وقت و قرار معین تجدید نماید. و حق آن را دارد که در عرض راه هر جا لازم شود مجرای [۱۴۵] آب و قنات به شرط رضای مالک احداث نماید، و در هر منزلگاه اراضی بایره[ای] که متعلق به دولت

---

۱. کشتی بخار.

باشد از هر طرف منزلگاه کلیةً ده هزار ذرع مربع مضروبی باشد، یعنی در هر منزلگاه ده هزار ذرع مضروبی زمین به صاحب امتیاز عطا خواهد شد که به جهت خود کشت و زرع نماید و مجاز خواهد بود که محصول آن اراضی را اگر بخواهد بفروشد یا به خارجه حمل نماید. همچنین حق خواهد داشت اراضی[ای را]که به توسط خود دایر شده است اجاره بدهد ولی فقط به رعایای ایران. و نیز حق خواهد داشت که در روی دریاچهٔ ارومیه دو فروند کشتی بخاری به کار بیندازد به جهت حمل و نقل مال‌التجاره و مسافرین از شهرهائی که در سواحل آن واقعند. و هم به توسط آنها جهاز بادی را بکشد. و صاحب امتیاز متعهد است که حق عبوری از دواب و مکاری و مسافرین مطالبه ننماید مگر در پلها که مخصوصاً برای اداره ساخته شده و این حق عبوری را باید قبل از وقت بـه اولیـای دولت اعلان کنند.

توضیح: راه از تبریز به جلفای سرحد روسیه و از تبریز تا بایزید سرحد عثمانی باید یک مرتبه شروع شود و یک مرتبه تمام شود و به انجام برسد.

فصل دویم:

برای ساختن ابنیهٔ مفصلهٔ فوق کـه در عـرض راه لازم مـی‌شود اگـر اراضـی مـتعلق [۱۴۶] به دولت باشد باید به قدر لزوم مجاناً مرحمت شود و اگر متعلق به مردم است صاحب امتیاز اجاره خواهد کرد یا خریداری خواهد نمود.

فصل سیم:

راه و ابنیه‌ای که در هر نقطه ساخته خواهد شد آلات و ادوات و اراضی ابتیاعی و تمام اموال اداره در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض ازدیاد تجارت و امنیت مال التجاره و مسافرین عرض راه، صاحب امتیاز حق دارد که دولت علیه حمایت کامل فرموده به حکام و ضباط ولایات عرض راه که خط راه عبور می‌کند احکام مؤکد صادر فرمایند که از اجزاء و اعضاء و اموال ادارهٔ راه حمایت نموده حفظ و حراست کـنند تـا تعهدات صاحب امتیاز به موقع اجرا برسد. و اگر در ضمن این حفظ و حراست کـامل احتیاطاً محتاج به تقویت عسکریه بشود دریغ نکنند و به هیچگونه عذری متعذر نشوند.

فصل چهارم:

صاحب امتیاز برای اجرای این مقصود مجاز خواهد بود که از سرمایه‌داران خارجه [۱۴۷] کمک بخواهد یا امتیاز راه را به آنها منتقل نماید که به توسط کمپانی ساخته شود. کمک خواستن و منتقل نمودن امتیاز به دیگری باید به اطلاع و تصویب اولیـای دولت باشد.

فصل پنجم:

یک سال بعد از صدور فرمان باید شروع به کار شود و الا ایـن امـتیازنامه از درجـهٔ اعتبار ساقط است و سه سال بعد از شروع به کار یعنی چهار سال بعد از صدور فرمان، تمام راه باید ساخته و دایر شود.

فصل ششم:

یک سال بعد از دایر شدن ادارهٔ حمل و نقل مال التجاره و مسافرین، در آخر هر سال حاصل این اداره بعد از وضع مخارج، صاحب امتیازنامه باید صدی پنج به خزانهٔ دولت علیه کارسازی خواهد کرد و اولیای دولت به هیچ اسم و رسـم، مـالیات و راهـداری و صادر و عوارض از اراضی مزروع و غیر مزروع از مستقلات و منقولات این اداره مطالبه نفرمایند و کلیةً معاف خواهد بود. و نیز ادواتی که از هر قبیل برای این اداره لازم باشد [۱۴۸] از دادن گمرک معاف خواهد بـود. مـباشرین گـمرکخانه حـق تـحقیق و تـجسس دربارها خواهند داشت که معلوم شود اجناس غیر متعلق به اداره داخل آنها نباشد و این معافی فقط برای آن چیزی است که برای راه لازم است. و بدیهی است گمرک حق آن را دارد که از هر چه از این راه حمل و نقل بشود جزئی و کلی موافق معمول دولت، گمرک داخله و خارجه دریافت دارد.

فصل هفتم:

صاحب امتیازنامه متعهد است که حمل و نقل پست دولت علیه را در این خطوطِ راه، نصف نرخ ببرد و متعهد است که در حمل و نقل مال التجاره تقدم و تأخری به اشخاص

ندهد یا ملاحظهٔ رعیتی نکند که بعض اشخاص را به دیگری اختصاص بدهد بلکه با تمام مردم در این مسئله به مساوات حرکت نماید که اسباب رنجش احدی نشود.

فصل هشتم:

صاحب امتیازنامه برای انجام این مقصود حق نخواهد داشت که زیاده از پنجاه نفر عملجات و اجزای خارجه بیاورد و این اجزای خارجه باید قانون [۱۴۹] و رسوم ایران را محترم بدانند و مطابق آن رفتار کند.

فصل نهم:

برای تحصیل صدپنج منافع معروضه، دولت علیه حق خواهد داشت هر شش ماه به شش ماه به واسطهٔ مأمور مخصوص، دفاتر کسان صاحب امتیازنامه را ملاحظه و رسیدگی نماید و این مأمور مخصوص حق خواهد داشت که همیشهٔ اوقات رسیدگی نماید که کارهای اداره مطابق با فصول قرارنامه است.

فصل دهم:

در آخر شصت سال که مدت امتیازنامه است از تاریخ صدور فرمان، در صورتی که این امتیازنامه تجدید نشود تمام آلات و ادوات غیر منقول مال دولت خواهد بود و آلات و ادوات منقول را دولت علیه در صورت لزوم به نرخ آن روز خریداری خواهند فرمود. تجدید به اختیار دولت است. خریدن اسباب غیر منقول هم به میل دولت، می‌خواهد نخرد، در هیچیک از این دو فقره دولت مجبور نخواهد بود [۱۵۰].

این قرارنامه در دو نسخهٔ مطابق در شهر جمادی الثانی ۱۳۰۷ هجری نوشته شد. یک نسخه به امضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ و ثبت وزارت خارجه در نزد دارندهٔ امتیاز و یک نسخه به امضای دارندهٔ امتیاز در نزد اولیای دولت علیهٔ ایران ضبط شد.

محل مهر نایب السلطنه

از این قرار ان شاء الله صحیح است

ملاحظه شد محل مهر نایب السلطنه

این امتیاز که در ۱۸ ماه فوریه ۱۸۹۰ مطابق ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۰۷ اعطا و مرحمت شد. از ۱۸ ماه فوریه ۱۸۹۱ مطابق ۱۸ رجب ۱۳۰۸ که یک سال دیگر است برقرار است تا کمپانی مدت یک سال به اعمال مرجوعهٔ خود مهلت داشته باشد. اولیای دولت علیهٔ ایران متقبل هستند که در مدت شصت سال که این امتیاز برقرار است از طرفین راه مذکور از هر طرف به فاصلهٔ پنجاه کیلومتر که هشت فرسخ باشد احدی حق هیچ‌گونه احداث راه شسته [= شوسه] [۱۵۱] که رقابت به این راه بکند ندارد و اگر امتیاز راه‌آهن را دولت بخواهد به کسی بدهد باید آن کمپانی تعهد کند که این کمپانی راه شوسه را راضی کند و از عهدهٔ خسارت او برآید.

و در فصل اول امتیازنامهٔ مزبوره مذکور است که در پلهائی که کمپانی در سر رودخانه‌ها می‌سازد حق العبوری بگیرند مابقی راه و خیابانها معاف باشد، بنابراین معین است که عابرین می‌توانند بدون ادای حق عبور از پلها مسافت زیادی طی کنند و در وقت خشکی رودخانه‌ها نیز جهت عابرین ممکن است از پلها منحرف شده و از ادای حق کمپانی تکاهل کنند. همچنین اخذ حق عبور در سرپلها به جهت عابرین و گاریها اسباب معطلی و زحمت است و به جهت کمپانی اسباب خرج و ضرر، لهذا بهتر آن است که از نقطهٔ ابتدای حرکت تا انتهای مقصد به جهت هر یک کیلومتر وجهی معین اخذ نماید تا اسباب آسودگی طرفین بوده باشد به اندازه‌ای که در سرپلها قرار است حق العبور بگیرد نه بیشتر. موافق رای و میل اولیای دولت علیه معیّن که راه بسیار خوب ترتیب [۱۵۲] داده و پست و بلندیها را هموار نموده در طرفین جوب [= جوی] برقرار کرده که آب را بکشد و پلهای لازمهٔ بزرگ یا کوچک ساخته که گاریها و کالسکه‌ها به خوبی و به سهولت بتوانند عبور کنند و منزلها و متعلقات اینها نیز جهت سهولت و ارزانی حمل و نقل مال التجاره و عبور مسافرین بوده باشد.

اولیای دولت، کمپانی را مجاز می‌فرمایند که حق عبور از عابرین یا اجرت حمل و نقل مال التجاره را در سه سال اول با اطلاع و تصدیق اولیای دولت معین نماید که در ظرف مدت سه سال اول از قرار یکصد دوازده از اصل سرمایه عاید دارد. هرگاه منفعت آن از

یکصد دوازده تجاوز نماید اولیای دولت علیه حق دارند که قیمت حمل و نقل مال التجاره و وجه عبور مسافرین را خود معین نمایند تا کمپانی مطمئن و مجهز شده که رای اولیای دولت در باب حمل و نقل مال التجاره و وجه عبور مسافرین برچه نحو خواهد بود و کمپانی مجبور است که صورت صحیح مخارج راه را به دولت بدهد که بتوانند مأخذی برای تعیین این کار در دست داشته باشند.

همچنین کمپانی را مجاز می‌فرمایند [۱۵۳] که هر یکصد کیلومتر را که ساخته و تمام شود مشغول حمل و نقل مال التجاره و عبور دادن مسافرین شوند.

اولیای دولت علیه متعهد می‌شوند که احدی از حکام و مباشرین در عرض راه حق هیچ‌گونه مطالبه و وجه حمل و نقل و غیره را نداشته باشند و نیز حق رسیدگی و بار کردن بارهائی که به کمپانی سپرده شده در بین راه نداشته باشند که اسباب معطلی و تعطیل عمل کمپانی شود مگر در گمرکاتهای دولتی بعد از تحویل دادن به کمپانی امتعه را به صاحبان آنها، و این قرارداد نباید احداث ضرری برای گمرک و راهداری دولت بکند.

فصل نهم امتیازنامه و فصل ششم را در یک فصل منظور خواهیم داشت که تمامه صحیح است.

این قرارنامه در دو نسخهٔ مطابق در شهر رجب ۱۳۰۸ هجری نوشته شد و یک نسخه به امضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ ثبت وزارت خارجه در نزد دارندهٔ امتیاز و یک [نسخه] به امضای دارنده در نزد اولیای دولت علیهٔ ایران ضبط شد.

ملاحظه شد

محل مهر نایب السلطنه

۲۰

[۱۵۴]امتیازنامهٔ چراغ گاز[۱]

بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی ـ روحنا فداه ـ امتیاز

۱. محمّدحسن خان اعتماد السلطنه در صفحهٔ ۱۱۹ خاطراتش افتتاح چراغ گاز را در طهران در سال ۱۲۹۸ هجری قمری یعنی ده سال قبل از عقد این امتیازنامه می‌داند و آن هم توسّط بواتال. او چنین می‌نویسد: «خلاصهٔ کلام، از اتّفاقات امروز این که چراغ گاز باید مفتوح شود و شاه در افتتاح حضور به هم رسانند. چراغ مفتوح شد. تشریفات فراهم آمد امّا شاه نرفت. تفصیل این است: در سفر دوم فرنگ، شاه میل کردند که در طهران ایجاد چراغ گاز شود به سبک فرنگستان، امّا از کیسهٔ خود خرج نفرمایند! بنا شد ثلثی از مخارج را سپهسالار بدهد، ثلث دیگر را امین‌الملک، ثلثی شاه. امین‌الملک که به بردن منفعت جزئی در پیدا کردن شخصی موسوم به فابیوس بواتال خود را کنار کشید. شاه بیست و چهار هزار تومان، سپهسالار به گفتهٔ خود هفتاد هزار تومان به دفعات مختلف، فابیوس هم وعدهٔ روشن کردن چراغ مذکور را داد و از عهده بر نیامد. بالاخره تأکیدات بلکه تهدیدات، تا روز افتتاح، شنبه یازدهم مقرر شد. معتمد الملک که از طرف سپهسالار حاکم خراسان مناسبت برادری و سمت وکالت دارد در طهران است. تشریفات زیاد از هر قبیل فراهم آوردند. میدان توپخانه را آرایش دادند. بیرقها زدند. چادرها افراشتند. موزکانچیان اخبار دادند. شربت و شیرینی و اقسام میوه آوردند. وجه نقد و شالی هم به جهت پیشکش آستان پادشاهی حاضر کردند. صبح امروز اسب و کالسکه به جهت سه ساعت به غروب مانده خبر شده بود. علی الغفلة موقوف فرمودند. متعذر به کسالت شدند و ناظم خلوت مأمور شد، رفت ولیعهد و نایب السلطنه را آورد و شاهزاده‌ها را مأمور خضور افتتاح فرمودند و خود نرفتند. اگر چه شنیدم جناب آقا و سایر وزراء هم بودند. امّا خیلی برای معتمد الملک که تشریفات فراهم آورده بود به جهت فابیوس اسباب خفت شد. معروف است که نایب السلطنه به واسطهٔ عداوت با سپهسالار و کنت به جهت دشمنی که با شخص فابیوس دارند شاه را ترسانده بودند که جمعیت و ازدحام زیاد است. اگر تشریف بیاورید بیم خطر است. دیگر نمی‌دانم چه شده است. شاید بعد معلوم شود.

مخصوص ایجاد و ترتیب چراغ گاز در دارالخلافهٔ طهران و نواحی آن و همچنین در تمام ممالک محروسهٔ ایران را به این غلام خانه‌زاد مرحمت و واگذار می‌فرمایند به شرایط و قرارداد مفصلهٔ ذیل و ضمناً این غلام مأذون و مجاز خواهد بود که کمپانی از داخله و خارجه جهت تشکیل این امتیاز را داده تحصیل نماید.

فصل اول:

بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ـ ارواحنا فداه ـ کارخانهٔ موجود چراغ گاز را در دارالخلافه با اراضی و ابنیه و لوله‌ها و فانوسها و چراغها کلیةً با جمیع لوازم و متعلقات آن به این غلام واگذار خواهند فرمود. و این غلام مأذون و مجاز خواهد بود یا کارخانهٔ حالیه را دایر نماید یا کارخانهٔ جدیدی احداث نماید.

در صورت تأسیس کارخانهٔ جدید، کارخانهٔ قدیم نیز با متعلقات آن به اختیار این غلام خواهد بود وهر نوع تغییر [۱۵۵] و تبدیلی که در ترتیب وتنظیم این کارخانه برای اصلاح و تسویهٔ آلات و ادوات موجوده لازم باشد این غلام مأذون و مجاز خواهد بود.

فصل دویم:

این غلام متعهد است که چراغ عمومی تهیه و ترتیب کند. تدارک و تهیهٔ لوله‌های گاز عمومی به شهر برعهدهٔ این غلام است ولی تعیین مخارج و قیمت آن با اولیای دولت علیه است که هر طور اقتضا کند به این غلام قرارداد قطع فرمایند. عدهٔ چراغ کمتر یا زیادتر [را] در صورت لزوم باز به همان ترتیب معروضه به این غلام مقرر خواهند فرمود. و نیز امر و مقرر خواهند فرمود که فاصلهٔ چراغها از همدیگر بیشتر از بیست متر نباشد و هر یک از چراغها شبی زیاده از چهار ساعت نباید بسوزد و در هر یک از چراغهای عمومی یکصد و چهل لیتر مصرف خواهد شد. و از طرف قرین الشرف دولت علیه سالی دوازده تومان رایج برای هر یک چراغ به این غلام مرحمت خواهند فرمود و این مبلغ هم در عرض سال ماهی یک تومان که قیمت یک چراغ است در آخر هر ماه مقرر و مرحمت خواهد شد [۱۵۶] ضمناً هر قسم مخارج از قبیل تعمیرات و رنگ‌کاری و تعمیر شیشه و خرج عمله و غیره لازم شود جزء همین یک تومان است و آنچه در خصوص شرایط روشنائی چراغ عمومی عرض شده فقط مخصوص دارالخلافهٔ طهران است.

برای ایجاد چراغ گاز در شهرهای دیگر داخله اولیای دولت علیه و مأمورین دولت به این غلام قراری که مقتضی و مناسب باشد خواهند فرمود.

فصل سیم:

هرگاه اشخاص دیگر برای روشنائی شهر که غیر از چراغ گاز باشد از خاکپای مبارک اقدس همایونی ـ روحنا فداه ـ استدعا نمایند این غلام طرف رجحان خواهد بود که به همان شرایطی که آنها استدعا کردند قبول نماید.

فصل چهارم:

در تعیین شرایط و قیمت و تقسیم چراغ برای سایر مردم متفرقه و اداره و ترتیب آن این غلام مأذون و مجاز خواهد بود که هر طور مقتضی است معمول دارد.

[۱۵۷] **فصل پنجم:**

این اداره من جمیع الجهات و اعضاء و اجزای آن طرف توجه و رعایت مخصوص اولیای دولت علیه بوده از هر نوع حمایت و تقویت به قدر امکان دریغ نخواهند فرمود.

فصل ششم:

امتداد این امتیازنامه از روز امضای این امتیازنامه الی نود ونه سال خواهد بود.

فصل هفتم:

بعد از انقضای نود ونه سال آلات و ادوات کارخانه از قدیم و جدید هر چه هست به دولت تفویض و تقدیم خواهد شد.

فصل هشتم:

شروع و افتتاح این کارخانه از تاریخ امضای قرارنامه الی مدت سه سال خواهد بود.

ان شاء الله تعالی فصول این قرارنامه را درخدمت
اولیای دولت بدون کم و کسری مجری خواهد داشت

فی ۸ ذیقعده ۱۳۰۸

محل مهر مشیر الدوله یحیی خان

۲۱

[۱۵۸] اجازه‌نامهٔ ایجاد ادارهٔ حمل و نقل عامه در ایران به توسط کالسکه‌های خودرو

بین کارگزاران دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ایران ـ ارواحنا فداه ـ از یک طرف و امضا کنندگان ذیل:

اولاً: جناب حکیم الملک وزیر ابنیه و مسکوکات و غیره

ثانیاً: جناب مهندس الممالک وزیر معادن و صنایع

ثالثاً: مسیو ماکز یمیلین کتیرا مهندس قوهٔ برقیه تبعهٔ فخیمهٔ فرانسه که هر سه نفر آنها ساکن دارالخلافهٔ طهران ـ پایتخت دولت علیهٔ ایران ـ می‌باشند از طرف دیگر مراتب ذیل مقرر گردید:

امضا کنندگان ذیل با کمال شرف از دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ایران ـ ارواحنا فداه ـ برای مدت بیست سال ابتداء از شروع به کار [۱۵۹] استدعای تحصیل اجازهٔ صحیحه می‌نمایند برای ایجاد یک ادارهٔ عمومی حمل و نقل اشخاص و اثقال به توسط کالسکه‌های خودرو به هر نمونه‌ای که باشد.

اولاً: در خط راه دولتی طهران ـ قزوین و رشت.

ثانیاً: در خط راه دولتی طهران ـ قم و اصفهان

ثالثاً: در خطوطی که از دارالخلافهٔ طهران به ییلاقات اطراف آن ممتد می‌باشند.

امضا کنندگان ذیل متعهد می‌شوند:

اولاً: در صورتی که با امنیت مسافرین و نظم اداره منافات نداشته باشد عملجات ایرانی را بر عملجات خارجه حتی المقدور ترجیح بدهند.

ثانیاً: مگر در وقت ظهور حادثهٔ فوق العاده، پست اختصاص دولت علیه را با کمال نظم و سرعت مجاناً حمل کنند ولی [۱۶۰] بدون مسئولیت.

ثالثاً: از اجرت حمل ونقل مال التجاره و امتعهٔ ایرانی که از داخله به خارجه و از روی تعرفه که بعدها معین و نشر می‌شود می‌برند یک عشر آن را به خزانهٔ عامرهٔ دولت بپردازند.

رابعاً: متقبل می‌شوند که هرگاه دو سال بعد از تاریخ امضای این اجازه‌نامه ادارهٔ مزبور دایر نشود این اجاره‌نامه از درجهٔ اعتبار ساقط است.

استدعای امضا کنندگان از این قرار است.

اولاً: در تمام مدت این اجازه‌نامچه تمام آلات و ادواتی که برای دایر داشتن اداره لازم است و از خارجه می‌آورند معاف از تمام حقوقات گمرکی باشد.

ثانیاً: دولت علیهٔ ایران هیچ اجازه‌ای در ایجاد اداره‌ای [۱۶۱] مانند این اداره به احدی ندهد بدون اینکه به صاحبان این اجازه‌نامه اطلاع داده شود و در صورت قبول تساوی شروط، حق تقدم و ترجیح بلا استثناء با صاحبان این اجازه‌نامه باشد.

ثالثاً: صاحبان این اجازه‌نامه مجاز می‌باشند که با سرمایهٔ متغیرهٔ اهالی ایران و تبعهٔ خارجه شرکتی تشکیل بدهند که مرکزش در طهران و یک دفتر رسیدگی به محاسبات در خارجه داشته باشد.

در دارالخلافهٔ طهران به چهار نسخه نوشته و امضا شد

فی شهر شعبان المعظم ۱۳۱۶

فهرستها

۱. کسان

۲. جایها

۱. آیات

۲. روایات

۳. کسان

۱. آیات

۲.روایات

۳.کسان

In the name of God, the Compassionate, the Merciful

Since the distant past, as the informative, cultural and scientific centers, the libraries have been considered one of the most important spirtual and inspiritual development factors of the societies. The manuscripts, among the others, have been of a greater importance and the nations have taken pride in them.

The library of the Islamic Consultative Assembly (Majles-e Šorā-ye Eslāmi) is one of the richest and most valuable libraries of the world keeping over 22,000 manuscript volumes. During its long time life, the library has tried to collect, edit and revive them. We have got the honor to inform the dear researchers that, by the establishment of the Library's research center, we are trying to accelarate the process of editing and publishing the manuscripts. Meanwhile, through the critical editing of the texts remaining from our descendants and publishing them, we are going to strengthen the cultural development foundations of our society and introduce culture and civilization of Iran and Islam to the new generation more deeply.

The present research, named *"Hed̄ayat al-ᵓOṣul"* and edited by "*Dr. ᵓesmāᵓil Tājbaxš*" is one of the valuable manuscrips in the Parliament Library and its editing has helped us to gain one of our goals i.e. reviving the texts belonging to the past and presenting them to you dear reader.

Sayyed Moḥammad ᶜAli Aḥmadi Abhari
Head of Library, Museum and Documentation Center
of Islamic Coucultative Assembly (Majles-e Šorā-ye Eslāmi)

Heđāyat al-ᵓOṣul

(A Commentary on Bāb-e ḥadi ᶜašar)

Edited by

Dr. ᵓesmāᵓil Tājbaxš

Library, museum and Documentation
Center of Islamic Councultative Assembly
(Majles-e Šorā-ye Eslāmi)

Tehran 2003

PRINTED IN TEHRAN

ISBN: 964-6690-11-4

آثار در آستانهٔ نشر
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

۱. **حمله حیدری** (فارسی) / محمد رفیع خان باذل و دیگران؛ تصحیح و تحقیق سید علی کاشفی خوانساری

۲. **دیوان بدرچاچی** (فارسی) / بدرالدین چاچی (۸ ه)؛ تصحیح و تحقیق علی‌محمّد گیتی‌فروز

۳. **ریاض الملوک** (فارسی) / نظام‌الدین شامی؛ تصحیح و تحقیق بهروز ایمانی

۴. **سلوة الشیعه** / علی فنجگردی؛ تصحیح و تحقیق جویا جهانبخش

۵. **ظفر نامه تیموری** (فارسی)/ شرف الدین یزدی؛ تصحیح و تحقیق عبدالحسین نوایی و سید سعید میر محمد صادق

۶.**گنجینهٔ بهارستان /ادبیات فارسی (۲)** (فارسی) / به اهتمام بهروز ایمانی

۷.**گنجینهٔ بهارستان / تاریخ و جغرافیا (۱)** (فارسی) / به اهتمام سید سعید میرمحمد صادق

۸. **نامه معانی** (فارسی) /گردآورنده: بهروز ایمانی

آثار منتشر شده کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱)

۱. **الاربعینیات لکشف القدسیات** (عربی)، قاضی سعید قمی، با همکاری مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱، ۴۰۷ ص، بها: ۳۴۰۰۰ ریال.

۲. **الإلهیات من المحاکمات بین شرحی الاشارات** (عربی)، قطب‌الدین محمّد رازی با حواشی باغنوی شیرازی، تصحیح و تحقیق مجید هادیزاده، با همکاری مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱، ۴۷۷ ص، بها: ۳۹۵۰۰ ریال.

۳. **الصراط المستقیم فی ربط الحادث بالقدیم** (عربی)، میرمحمد باقر داماد، با همکاری مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱، ۳۵۹ ص.

۴. **اللمعات العرشیة فی الحکمة الالهیه** (عربی)، علامه ملّا مهدی نراقی (۱۳ ه)، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، با همکاری کنگرهٔ برزگداشت فاضلین نراقی، ۱۳۸۱، ۵۱۹ ص، بها: ۳۰۰۰۰ ریال.

۵. **اللمعة الالهیة و الکلمات الوجیزه** (عربی)، ملّا مهدی نراقی (۱۳ ه)، ترجمه علیرضا باقر، با همکاری کنگرهٔ بزرگداشت فاضلین نراقی، ۱۳۸۱، ۱۳۳ ص، بها: ۸۰۰۰ ریال.

۶. **حدیث عشق (۲)**، (فارسی)، به کوشش نادر مطلبی کاشانی و محمدحسین مرعشی، ۱۳۸۱، ۴۱۳ ص.

۷. **دین و سیاست در دولت عثمانی** (فارسی)، داود دورسون، مترجم منصوره حسینی و داود وفایی، ۱۳۸۱، ۵۰۰ ص، بها: ۲۵۰۰۰ ریال.

۸. **فائق المقال فی علم الحدیث و الرجال** (عربی)، مهذب‌الدین بصری (۱۱ ه)، تصحیح و تحقیق محمود نظری، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۳۹۴ ص، بها: ۲۲۵۰۰ ریال.

۹. **فارابی و مکتبش** (فارسی)، یان ریچارد نتون، ترجمهٔ گل‌بابا سعیدی، با همکاری نشر نقطه، ۱۳۸۱، ۱۸۳ ص، بها: ۱۳۰۰۰ ریال.

۱۰. **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۴** (فارسی)، سید محمد منصور طباطبایی، ۱۳۸۱، ۵۰۴ ص، بها: ۳۰۰۰۰ ریال.

۱۱. **گنجینهٔ بهارستان، ادبیات عرب (۱)**، (عربی) به اهتمام محمّد باهر، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۶۳۷ ص، بها: ۳۷۰۰۰ ریال.

۱۲. **گنجینهٔ بهارستان، فقه و اصول (۱)** (فارسی ـ عربی)، به اهتمام حسنعلی علی‌اکبریان، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۵۵۱ص، بها: ۳۳۵۰۰ ریال.

۱۳. **مثنوی لسان الغیب** (فارسی)، صابونی، تصحیح و تحقیق علی اوجبی و شهاب‌الدین عبّاسی، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۱۰۰۶ ص، بها: ۶۵۰۰۰ ریال.

۱۴. **مجموعه امتیازنامه‌های دورهٔ قاجار** (فارسی)، به کوشش میرهاشم محدّث، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۱۳۵ ص، بها: ۷۵۰۰ ریال.

۱۵. **نظام فلسفی توماس آکوئیناس** (فارسی)، مترجم شهاب‌الدین عباسی، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۳۱۸ ص، بها: ۱۵۵۰۰ ریال.

۱۶. **وضعیت آوارگان فلسطینی در حقوق بین‌الملل** (فارسی)، کیسی تاکنبرگ، مترجم مصطفی فضائلی و محمّد حبیبی مجنده، با همکاری مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۱، ۴۱۶ ص، بها: ۲۵۰۰۰ ریال.